



# انترناسیونال ۴۸۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن



hekmat.public-archive.net

منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۶ بهمن ۱۳۹۱، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۳ - ۲۴ صفحه

## بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران

بانکها و سیاست خارجی و غیره با هم گلاویز میشوند و هرکدام از سنگر جداگانه ای به هم چنگ و دندان نشان میدهند. از ولی فقیه شان هم که مدام بر آرامش و مخفی نگه داشتن اختلافات تاکید دارد کاری ساخته نیست. پرونده هایی که اینها از دزدیها و فساد و بذل و بخششهای میلیاردی یکدیگر و یا اقتصادی و فضای گسترده خشم و اعتراض عمومی علیه حاکمین است. نهادهای حکومتی نظیر مجلس اسلامی، رئیس جمهور و نیروهای سرکوب و امام جمعه ها، بر سر همه چیز از اقتصاد و بانک مرکزی و صندوق تامین اجتماعی و یارانه ها گرفته تا انتخابات و نحوه استخدامها و استانداریها و

روند اوضاع سیاسی در ایران بسرعت به سمت يك رودرویی گسترده و جدی مردم با حکومت اسلامی به پیش میرود. هرکس که به اوضاع در ایران نگاهی بیندازد، بی تردید وضعیت سیاسی را به شدت شکننده و بی ثبات خواهد دید. برجسته ترین شاخص های این بی ثباتی، در هم ریختگی صفوف حکومت، فلج و از هم پاشیدگی

ادامه صفحه ۲

## قطعنامه در مورد نیروهای اسلامی همسو با غرب قطعنامه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

## نامه ای به یک رفیق

صفحه ۵

اصغر کریمی

## مالی: جبهه تازه جنگ میان اسلاميون و غرب

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

## با تمام قوا در دفاع از کارگران زندانی نیست تظاهرات ها

صفحه ۲۴

ضمیمه این شماره انترناسیونال  
"کمونیسم در یک نقطه عطف تاریخی"  
از حمید تقوائی منتشر میشود.

## رضا پهلوی و معضل احیای سلطنت!



مصطفی صابر

"... به نظر من رهبر سیاسی شان اگر بنا باشد ادعای سلطنت داشته باشد، از حالا باخته اند. اینها با گره زدن جنبش طرفدار غرب محافظه کار به شکل سلطنتی بزرگترین خدمت را دارند به چپ میکنند. چون اگر بگویند من دست از سلطنت برداشته ام و سلطنت نمیخواهم، من رضا پهلوی هستم، بابام را میشناسید، ولی من کس دیگری هستم، آن سیستم را قبول ندارم، شاه هم نمیخواهم

در سال ۲۰۰۰ منصور حکمت در سخنرانی "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" در مورد جنبش ناسیونالیسم پروغرب (رژیم سابق ها، سلطنت طلبان و دیگر طیف های ناسیونالیسم محافظه کار طرفدار غرب) در ایران از جمله چنین گفت:

ادامه صفحه ۱۸

## صفحات دیگر

سندیکای شرکت واحد یک دستاورد کارگری است

شهاب دانشفر

کلاهبرداری زیر نور پروژکتورها

بهرز مهرآبادی

اعترافات تازه: وزارت اطلاعات و قاچاق مواد

مخدر

خلیل کیوان

اوضاع سیاسی در عراق

نسان نودینیان

اوباشان قاتل اسلامی از چه میترسند؟

محسن ابراهیمی

ماجرای استعفاء بهمنی و دعوای دزدان حکومتی!

محمد شکرهی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران

از صفحه ۱

مقامات سابق حکومت رو میکنند، برآستی بی سابقه است. تمام تلاش سران حکومت این است که کاری کنند که این اختلافات به نمایش انتخاباتی که چند ماهی بیشتر به موعد برگزاری آن نمانده، سرایت نکند. اقدام مضحک برگزاری "مجالس شبانه" میان مجلسی ها و دولتی ها و با پا در میانی ریش سفیدان قوم، و شاخ و شانه کشیدنهای بلافاصله بعد از آن باردیگر نشان میدهد که این تقلها برای آرام کردن این جنگ و نزاع مطلقا پوچ و بیهوده است.

در این شرایط وضعیت اقتصاد بحران زده حکومت با گسترش نزاع نهادهای اجرایی و قانونگزاری و مالی، دچار آشفتگی باور نکردنی ای شده و تحریمهای بین المللی نیز که هرروز گسترده تر میشود، این آشفتگی و فلج اقتصادی را عمیقا تشدید کرده است. طرح کذایی "هدفمند کردن یارانه ها" که به زعم حکومتیان قرار بود با تحمیل ریاضت اقتصادی به مردم، اقتصاد جمهوری اسلامی را از رکود و بحران بدر آورد و احیا کند، یک کانون داغ جنگ و کشاکش سران حکومت است. مجلس با اشاره به بحرانزا بودن و هزینه بردار بودن آن میخواهد آنرا متوقف کند و دولت میخواهد با تاکید بر ادامه آن و متهم کردن طرف مقابل به کارشکنی، گناه شکست این طرح را به گردن مجلس بیندازد.

کل این در هم ریختگی اقتصادی و قطع یارانه ها و

تحریمها و فلج اقتصادی، فشار اصلیش بر دوش کارگران و اکثریت مردم است. گرانی سرسام آور، بیکاری چندین میلیونی، نبود هیچگونه تامین اجتماعی، معضل دسترسی به دکتر و دارو و کلا فشارهای اقتصادی دارد کمر خانواده ها را خرد میکند و به فقر و محرومیت ابعادی غیرقابل تصور میدهد.

در واقع جنگ و کشاکش جناحهای حکومت همچون همیشه بازتاب خشم و نفرت عمومی مردم علیه حکومت است. و در حالیکه میلیونها نفر از کارگران و مردم از فشار گرانی و فقر جان به لبشان رسیده و خشم خود را علیه حاکمین بروز میدهند، باندهای حکومتی هرکدام تلاش میکنند گناه این وضعیت را به گردن دزدیها و فساد و چپاولهای طرف مخالف خود بیندازند و گریبان خود را خلاص کنند.

کل این شرایط مساله نان و تامین اقتصادی را به مرکز سیاست در ایران رانده است و همه چیز گویای این است که جدال مردم با حکومت و صاحبان سرمایه ها برای دفاع از معیشت و تامین اقتصادی، روز به روز گسترش بیشتری خواهد یافت. در کنار اعتراض به سرکوب و آپارتاید جنسی و زندان و اعدام، اعتراض به فقر و بیکاری و نداری به یک محور مبارزه گسترده توده های مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل میشود. و در شرایطی این تحول صورت میگیرد که جمهوری اسلامی در تنگنای ورشکستگی مالیش میخواهد یارانه های نقدی را کاهش دهد یا کاملا قطع کند و بیش از ۷۰ میلیون مردمی

که شامل این طرح میشوند و فی الحال تحت فشار افزایش هر روزه قیمتها کمرشان خرد شده است را با گرانی و تورم افسار گسیخته بحال خود رها کند .

یک جنگ جدی میان کارگران و اکثریت مردم از یک طرف و کل حکومت از سوی دیگر بناگزیب در چشم انداز قرار دارد. جمهوری اسلامی میخواهد با توسل به گسترش اعدامها و بگیر و ببندها جامعه را مرعوب کند. اما فضای خشم و نفرت عمومی و کل این شرایط بهم ریختگی صفوف حکومت و انزوای بین المللی جمهوری اسلامی، این جنایات و اعدامهای حکومت را نیز به موضوع اعتراض و مبارزه گسترده تبدیل میکند. این مبارزه فی الحال آغاز شده و در جریان است.

در این شرایط این بسیار مهم و حیاتی است که جنبش و اعتراضات توده ای با افقی روشن و رادیکال به پیش رود. راه خلاصی کارگران و کل جامعه از شر نکبت حکومت اسلامی، انقلاب سراسری و همه جانبه برای

جارو کردن کل نظام اسلامی و در هم پیچیدن تمام نهادها و قوانین ارتجاعی اسلامی است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و پرونده بیش از سی سال چپاول و درنده خویی و فقهقرای سرمایه داری در این کشور برای همیشه بسته شود. و این نقش فعال و جدی و رهبری کننده طبقه کارگر و کمونیستها را می طلبد. نسخه های پوچ و مسخره "انتخابات آزاد" و "اصلاح رژیم" و امثال اینها، فقط تلاشی برای ابقای نکبت و ریاضت سرمایه داری در پوشش های دیگر است. کارگران و مردم اقلیت مفتخور و آقابالا سر نمیخواهند. مردم باید خود سرنوشت خود را از طریق متشکل شدن در شوراهایشان در دست گیرند. اتحاد سراسری همه مردم به جان آمده برای برپایی یک جامعه مرفه و آزاد و انسانی هم امکان پذیر است و هم بسیار حیاتی است. باید به نسخه های تفرقه افکنانه ناسیونالیستی و فدرالیستی و قوم گرایانه که تلاش دارند مردم را در برابر دشمنانشان تحت عنوان ترک و عرب و کرد و

بلوچ تکه تکه کنند قاطعانه نه گفت. باندهای حکومتی هرچه نمایش انتخاباتی نزدیک تر میشود بیشتر به جان هم می افتند. باید بازار گرمی های انتخاباتی جناحهای حکومت را از هم اکنون به شکست کشاند و نمایش انتخاباتی شان را قاطع تر از سال ۸۸ بر سر این حکومت خراب کرد.

حزب کمونیست کارگری، کارگران و مردم ستمدیده و آزادیخواه را فرامیخواند که حول پرچم نان و آزادی و برابری، آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو آپارتاید جنسی علیه زنان و سرنگونی کل نظام اسلامی با تمام قوا به میدان بیایند و خود را برای انقلاب علیه نظام کثیف و ضدبشری جمهوری اسلامی آماده کنند.

زنده باد انقلاب انسانی برای  
جامعه ای انسانی  
زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ بهمن ۱۳۹۱  
۲۴ ژانویه ۲۰۱۳

**توجه**  
**فرکانس پخش کانال جدید تغییر کرده است**  
**مشخصات ماهواره هات برد ۸:**  
**فرکانس ۱۱۶۴۲**  
**اف ای سی ۵/۶، افقی**  
**سیمبل ریت ۲۷۵۰۰**  
**شبکه kurd channel**

# نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

## قطعهنامه در مورد نیروهای اسلامی همسو با غرب

### قطعهنامه حزب کمونیست کارگری ایران

#### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس  
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:  
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تفاوتی با نیروهای اسلام ضد غربی ندارند. اینها نیز هرجا و هر زمان که امکان و فرصت پیدا کنند قوانین و سنت ها و سیاستهای بغایت ارتجاعی اسلامی را با زور و خشونت به جامعه تحمیل خواهند کرد.

۸- سرنوشت اسلام سیاسی ضد غرب و اسلام همسو با غرب به هم گره خورده است و با شکست قطعی اولی و بویژه با به زیر کشیدن جمهوری اسلامی در ایران با انقلاب مردم، جریانات اسلامی همسو با غرب نیز به سرانجام افول خواهند افتاد و برعکس هر درجه عقب رانده شدن اسلام پروغرب شکست و عقب راندن بیشتر تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی و بخشهای دیگر اسلام سیاسی را نیز تسهیل میکند.

با توجه به فاکتورهای فوق حزب کمونیست کارگری ایران، افشا و منزوی کردن اسلام پروغربی را جزء جدایی ناپذیر مبارزه با اسلام سیاسی میدانند و اعلام میدارند که یک وظیفه مهم و اساسی در دفاع از انقلاب و کمونیسم و جامعه انسانی نشان دادن ماهیت ارتجاعی این جریانات به بخشهای هرچه وسیعتری از مردم و بسیج و قدرتمند ساختن صف آزادیخواهی در سراسر جهان علیه ارتجاع اسلامی است. به هر درجه که مردم و جنبش های اعتراضی به خواست های روشن آزادیخواهانه و ارزشهای مدرن و پیشرو مجهز شوند و به میدان بیایند، رگه های مختلف اسلام سیاسی بیشتر به انزوا رانده میشوند.

د فتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ ژانویه ۲۰۱۳

۴- مخالفت و نزاعهای تاکنونی دولتهای غربی با نیروهای معینی از اسلام سیاسی، نه به دلیل ضدیت آنها با هرگونه آزادیخواهی و حقوق انسانی، و یا متحجر بودن آنها، بلکه به دلیل غرب ستیزی و ضد آمریکائی گری این نیروها بوده است.

۵- جریانات اسلامی ملقب به "میانه رو" ماهیتا تفاوتی با شاخه های اسلام سیاسی در قطب تروریسم اسلامی ندارند. این اساسا به دلیل مقابله مردم و نیروهای مدرن و سکولار است که بخشهایی از جریانات اسلامی در دوره های مختلف به کمپ "میانه روی" عقب می نشینند. در دوره کنونی نیز به همین دلیل، و بویژه در اثر انقلابات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، بخشی از این جریانات به پوسته "میانه روی و اعتدال" خزیده اند. کل این جابجایی در میان جریانات اسلامی بیانگر روند عقب نشینی و شکست تاریخی جنبش اسلام سیاسی است. چرخش اخیر جریانی مثل "حماس" به سمت حزب عدالت و توسعه" در ترکیه بر این حقیقت تاکید میکند.

۶- تا آنجا که به کارگران و مردم مربوط میشود، جنبش اسلام سیاسی از هر کمپ و رگه ای عمیقا ارتجاعی، ضد مدرنیسم و ضد آزادی مردم است و هیچ جنبه مدرن و میانه روی در خود ندارد. هر درجه راه یافتن و تحمیل سنتها و رسوم اسلامی به قوانین و حقوق اجتماعی، به معنای تحمیل عقب گرد به انسانیت و تمدن و حقوق شهروندی است.

۷- جریانات اسلامی همسو با غرب از نقطه نظر به عقب راندن و به فقرا کشاندن جامعه

۱- با افول جنبش اسلام سیاسی که در چند دهه اخیر با ترور و تهدید و کشتار در مقابل مردم یکه تازی میکرد، جریانات اسلامی غیرمتخاصم با غرب در کشورهای اسلام زده ای که در آنها انقلاب به جریان افتاده است، به جلو رانده شده و در مقابله با انقلابات و آزادیخواهی و چپ فعال شده اند. این نیروها از جانب دولتهای غربی مورد حمایت قرار میگیرند.

۲- جنبشهای اعتراضی و ضد اسلام و ضد حکومت اسلامی در ایران، و خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ علیه جمهوری اسلامی و انقلابات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، فاکتورهای تعیین کننده ای در افول جنبش اسلام سیاسی بودند. در اثر این تحولات و مبارزات جنبش اسلام سیاسی و عمده ترین نیروهای آن در خاورمیانه نظیر جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله تا حد زیادی تضعیف شده و نفوذ منطقه ای خود را از دست داده اند.

۳- دولتهای غربی و رسانه های رسمی با تضعیف اسلام ضد غربی تلاش میکنند جریانات اسلامی همسو با غرب را تحت نام "اسلام مدرن و میانه" در انتظار مردم مقبول جلوه دهند. عنوان "اسلام مدرن و میانه" در واقع نام دیگری برای اسلام همسو با سیاستهای رسمی در غرب است. تمایز اصلی این جریان با اسلام سیاسی نوع جمهوری اسلامی و رگه های مشابه آن، "میانه رو" یا "مدرن" بودن آنها نیست، بلکه همراهی یا عدم تخصص با سیاستهای غرب است، و همین اساسی ترین معیار برای رابطه غرب با جریانات اسلامی است.

## مالی: جبهه تازه جنگ میان اسلاميون و غرب



کازم نیکفوا

جنگی گسترده در کشور آفریقائی مالی میان جریانات اسلامی و ارتش فرانسه با حمایت ارتش آمریکا و انگلیس و برخی کشورهای دیگر در جریان است. این جنگ خیلی ها را به یاد رویدادهای بسیار نامطلوب عراق و افغانستان می اندازد. سوال اینست که آیا کشور مالی به افغانستان دیگری تبدیل نخواهد شد؟ آیا القاعده و جریانات تروریست اسلامی جبهه تازه و جدی ای را در آفریقا گشوده اند؟ اهداف دولت فرانسه از جنگ در مالی چیست؟

### پیش زمینه

چند جریان اسلامی بنام "انصار الدین"، "التوحید"، "الجهاد" و "القاعده مغرب" در شمال مالی با ارتش این کشور در جنگند. شمال مالی منطقه کم جمعیت و فقیری است که در آن عمدتاً مردمی زندگی میکنند که "توارج" خوانده میشوند و در شرایطی شدت فقیرانه روستائی و بدون امکانات زندگی میکنند. توارج در کنار سایر اقلیتهای کوچکتر منتسب به اقوام مختلف زیر تبعیض و ستم ملی قرار دارند و نسبت به جنوب مالی که منطقه پرجمعیت و نسبتاً مرفه تری است و با کاما پایتخت مالی در آن قرار دارد، اینها در وضعیت ناهنجار تری بسر میبرند و مدام به اشکال مختلف به این تبعیضات اعتراض کرده اند. این فضا باعث شده که جریانات ناسیونالیست قومی و

مذهبی در این مناطق جای پای خود را محکم کنند. یک گرایش جدی به سمت استقلال شمال و تشکیل کشوری مجزا تحت نام "ازاود" وجود دارد و اسلامی ها بر این زمینه است که زمینه فعالیت و رشد در شمال پیدا کرده اند. سال ۲۰۱۲ سالی پر از بحران در مالی بود و کودتا و بحران سیاسی و بی ثباتی کشور مالی را فراگرفت که بعضاً در نتیجه انقلابات لیبی و تونس و کشورهای شمال آفریقا بود. آخرین تحول یک کودتا در دسامبر ۲۰۱۲ بود که به دستگیری نخست وزیر این کشور و روی کار آمدن ارتش منجر شد. این فضا وضعیت سیاسی مالی را بشدت متزلزل کرد و همزمان جریانات اسلامی شروع به پیشروی کردند. و اینجا بود که پای فرانسه به جنگ کشیده شد.

دلیل دخالت فوری و بدون تردید فرانسه اینست که این کشور منافع اقتصادی و سیاسی بسیار جدی در این منطقه دارد. فرانسه تاریخاً کشور استعماری در شمال آفریقا بوده است و سابقه تاریخی طولانی با کشورهای نظیر مالی دارد. در سالهای اخیر این کشور بخش اعظم امتیازات بجا مانده از دوره استعمار را رسماً کنار گذاشته است و ظاهراً از مناسبات برابری با این کشورها برقرار کرده است. اما فرانسه همچنان منافع اقتصادی و سیاسی مهمی در این منطقه دارد. از نظر اقتصادی میتوان برای مثال اشاره کرد که ۷۵ درصد برق و انرژی فرانسه از راکتورهای هسته ای تولید میشود و تقریباً تمام اورانیوم و مواد مورد نیاز برای این راکتورها از کشورهای مالی، موریتانی، بوركینافاسو، موریتانی، الجزایر، نیجریه و ساحل عاج تامین میگردد که همگی در همسایگی مالی یا در ارتباط نزدیک با آن قرار دارند. علاوه بر این فرانسه

مناسبات تجاری گسترده ای با همه این کشورها دارد و بخش مهمی از اقتصاد فرانسه بطور جدی به واردات و صادرات با این کشورها گره خورده و ثبات این مناطق برای سرمایه داری فرانسه بسیار حیاتی است. همچنین فرانسه در همه این کشورها نفوذ سیاسی جدی دارد و این مناطق را منطقه زیر نفوذ خود میداند.

این دلیل اصلی وارد شدن بدون تامل و تردید فرانسه در جنگ مالی است. اما علاوه بر این فرانسه مثل همه کشورهای اروپایی از به قدرت رسیدن جریانات اسلامی امنیت داخلی خود را نیز در خطر می بیند و نگران است که یک موج تروریسم اسلامی از جانب القاعده و گروههای مشابه آن از این منطقه به اروپا سرایت کند. به همین دلیل است که لشکر کثی فرانسه به مالی فوراً مورد حمایت انگلیس و آمریکا و سایر دولتهای اروپایی قرار گرفت و آمریکا هواپیماهای جاسوسی بی سرنشین "دراون" و تجهیزات دیگری را به کمک فرانسه فرستاد و انگلستان نیروهای لجستیکی را وارد منطقه نمود و رسماً اعلام پیوستن به جنگ کرد. و حتی سازمان ملل نیز خیلی سریع از این اقدام حمایت کرد و به آن مشروعیت داد.

### یک افغانستان دیگر؟

یک نگرانی که از جانب مفسرین غربی از درگیری فرانسه در مالی ابراز میشود خطر درگیر شدن فرانسه در یک جنگ دراز مدت و بی سرانجام و پرهزینه و پرتلفات است. نظیر یک افغانستان یا عراق دیگر. مالی کشور پهناوری است که یک میلیون و دویست هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و از این نظر تقریباً دوبرابر خاک فرانسه است. شمال مالی که در آن جنگ جریان دارد از نظر

وسعت به اندازه کل کشور فرانسه است. گروههای اسلامی با توجه به بومی بودن و آشنا بودن با شرایط صحرایی و کوهستانی این مناطق بسادگی ریشه کن نخواهند شد و قدرت مقاومت نسبتاً خوبی دارند. اما شخصاً فکر نمیکنم که اوضاع به پیچیدگی جنگ تروریستها در اوایل دهه اول ۲۰۰۰ باشد.

دلیل اصلی آن اینست که اولاً با اینکه جمعیت مالی اکثریت مسلمان قلمداد میشوند اما جریانات اسلام سیاسی یعنی جریاناتی که میخواهند دولتهای مذهبی برپا کنند از محبوبیت و نفوذ زیادی در میان مردم برخوردار نیستند. بعلاوه این جریانات مسلح اسلامی تفاوتها و اختلافات مذهبی جدی ای با اکثریت مردم این کشور دارند و بسیار متفرقتند. بخشی از جریانات اسلامی اخیراً در مخالفت با تروریسم و جنگ و سیاستهای "القاعده مغرب" دست به انشعاب زدند و خواهان مذاکره با دولت و حل مسالمت آمیز مسائل منطقه شمال شدند. کلاً همانگونه که اشاره شد شمال مالی منطقه ای بسیار کم جمعیت است و از اهمیت سوق الجیشی جدی برخوردار نیست.

از نظر شرایط سیاسی جهانی نیز با تجربیات خونینی که

جریانات اسلامی در خاورمیانه خلق کرده اند و افول جنبش اسلام سیاسی و انزوای آن در میان مردم و صف بندی های جهانی که همه به زیان اسلامی ها تغییر کرده است، این جریانات از حمایتهای جدی در سطح بین المللی برخوردار نیستند. حتی سازمان کشورهای آفریقایی بسرعت دارد نیروی نظامی به مالی علیه اسلاميون گسیل میکند. تنها نقطه قوت اینها اینست که اسلاميون قبلاً از حمایت قذافی برخوردار بودند و بسیاری از آنها در ارتش قذافی علیه انقلابيون جنگیده اند و تجربه دارند. بعلاوه با سقوط قذافی اینها اولین نیرویی بودند که دست به مصادره پادگانها و زرادخانه ها زدند و سلاحهای بسیار و پیچیده ای را مصادره کردند.

با توجه به همه اینها امکان ناپدید کردن فوری آنها وجود ندارد. اینها میتوانند تا مدتی با استفاده از تجهیزات پیچیده خود مقاومت کنند. این جنگ تا مدتی بر صحنه سیاسی جهان سایه خواهد انداخت و مشکلاتی را برای فرانسه و کشورهای درگیر ایجاد خواهد کرد. اما شرایط سیاسی داخلی مالی و شرایط جهانی اساساً به زیان آنها عمل میکند و در میان مدت به احتمال زیاد منزوی خواهند شد.\*

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

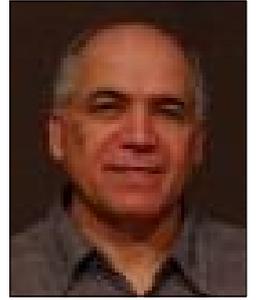
اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج  
۰۰۴۴۷۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

### تلفن تماس با حزب از ایران شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden

## نامه ای به یک رفیق



اصغر کریمی

رفیق ب... عزیز، مطلب در نقد انقلاب انسانی را خواندم. در پاسخ به سوالاتی که کرده بودم نوشته ای که "لغو اعدام، برابری زن و مرد، حقوق کودکان و... این شعارها و خواستها را حقوق دموکراتیک می دانم که در جوامع بورژوازی غربی به میزان زیادی و نه تماما رعایت می شوند. به نظر من این شعارهای بالا که اسم بردیم برای یک سوسیالیست انقلابی نیز در زمانی که برای سوسیالیسم مبارزه می کند می توانند مطرح باشند، ولی حداقل برنامه او می باشند." اینها چهارچوبی بدست میدهد که سعی میکنم به آنها بپردازم. اما اجازه بده ابتدا از همین تفکیک شعارها و مطالبات و دموکراتیک نامیدن آنها شروع کنم و سپس به حکومت انسانی هم خواهم پرداخت. اینرا هم بگویم که از بحث با رفیقی صمیمی مثل تو خوشحالم، هرچند با این سیستم فکری همخوانی ندارم.

برای ما در سنت کمونیسم کارگری، مبارزه برای آزادی های سیاسی، آزادی مذهب و لامذهبی و یا لغو مجازات اعدام و برابری زن و مرد و غیره بخش لاینفک فعالیت کمونیستی محسوب میشود. ما دیواری بین آنها نمیکشیم و آنها را به دموکراتیک و سوسیالیستی تقسیم نمیکنیم. زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب از ابزارهای تحکیم طبقه حاکم برای بقای جامعه سرمایه داری و پائین نگهداشتن دستمزد و کلا

تمام استانداردهای زندگی است و مبارزه علیه آنها برای ما بعنوان یک جریان کمونیست، بخشی از مبارزه سوسیالیستی ما علیه دولت سرمایه داری و کسب آمادگی طبقه کارگر برای برقراری حکومت کارگری است. اینها در عالم واقعی و در سطح جامعه قابل تفکیک نیستند. طبقه کارگر هم انقلاب میخواهد و هم همزمان شرایط کار بهتر. اینها برای طبقه کارگر مشتقی فرمول نیست که مخیر باشد یکی را انتخاب کند چون دارد زندگی میکند. هم آزادی اعتصاب میخواهد و افزایش دستمزد و هم نمیخواهد حاصل کارش را اقلیتی بچیب بزند. هم نمیخواهد رهبرانش به زندان بیفتند و هم کل طبقه حاکم و دولتش را نمیخواهد. هم تبعیضات موجود میان زن و مرد را نمیخواهد و هم منشاء این نابرابری ها را. هم میخواهد کودکش امکان تحصیل داشته باشد و خرافه به او یاد ندهند و هم یک آینده کاملا انسانی را.

برای ما این خواست ها و یا طب و آموزش رایگان جبهه های مهمی از مبارزه طبقاتی است که از خلال آنها تلاش میکنیم مردم را در مبارزات جاری هدایت کنیم، درکشان را از این مفاهیم تعمیق کنیم، نقش مخرب مذهب را در تحکیم پایه های استثمار و جامعه طبقاتی توضیح دهیم، بنیادهای سرکوب طبقه حاکم را زیر سوال ببریم، تفاوت مان را با جنبش های دیگر جا بیندازیم و اساسا در دل همین تبلیغات و همین مبارزات است که آگاهی سوسیالیستی مردم بالا میرود. ثانيا از همین طریق است که یک حزب کمونیستی در میان مردم رشد میکند. توده های مردم که از طریق کلاس کاپیتال و مطالعه برنامه و اسناد تئوریک یک حزب، کمونیست نمیشوند یا به یک حزب کمونیستی گرایش پیدا

برعکس مثلا اگر بلشویک ها اهمیت مبارزه با جنگ و خواست زمین که از نظر اقتصادی بورژوازی است، را نمیدیدند و تحت عنوان غیر کمونیستی بودن یا دموکراتیک بودن آنرا برای خود حاشیه ای میکردند و در عوض روزی یک میلیون مانیفست میان مردم توزیع میکردند مردم دنبال یک حزب بورژوازی که پرچم نه به جنگ را بلند میکرد میرفتند و بقیه حرفهای آن حزب بورژوازی را هم بجان میخریدند. این مکانیزم مبارزات توده ای است. یعنی مردم رهبری تو را در مبارزات معینی یا بر سر خواست های معینی میپذیرند و بعد توجهشان به سایر حرفهای هم جلب میشود. سال ۵۷ هم اینطور نبود که مردم اول مبنای حکومت اسلامی را مطالعه کردند و تئوری ولایت فقیه را پذیرفتند و بعد طرفدار خمینی شدند. برعکس رهبری او را در مبارزه علیه شاه قبول کردند و مزخرفاتش را به او بخشیدند. یک تفاوت اساسی اما در مورد انقلاب اکتبر و انقلاب ایران این بود که در ایران خمینی رهبر انقلاب نبود و عملا با سرکوب انقلاب حکومتش را سر پا نگهداشت و مردم در مقابل آن صف آرایی کردند و در روسیه با قدرت گرفتن بلشویک ها، لاقال تا زمان شکست بلشویسم، توده های وسیع مردم بیشتر و بیشتر به آن جذب شدند. من اینجا وارد تحلیل انقلاب ۵۷ و نقش دولت های امپریالیستی برای تو بوق کردن خمینی نمیشوم. منظورم یک نکته بود و آن اینکه به هر درجه خمینی در میان مردم جا باز کرد، بخاطر نه گفتن به حکومت شاه بود نه بخاطر آشنائی با جفنگیات او در مورد ولایت فقیه و غسل و توالف رفتن.

امروز هم هر جریانی در مبارزات روزمره مردم و در گرگه های مبارزه طبقاتی نقش نداشته باشد، روزی ۲۴ ساعت هم مشغول ترویج کاپیتال و مانیفست باشد کارش به جایی نمیرسد.

حداکثر چند ده نفر و اگر خیلی خوش اقبال باشد چند صد نفر را بخود جلب میکند و مطلقا نقشی در ایجاد هیچ تغییری، حتی یک امر کوچک نخواهد داشت. مردم دنبال حزب و شخصیتی میروند که احساس کنند این آن حزب یا شخصیتی است که از دست جمهوری اسلامی نجاتشان میدهد، یا در تلاش های جاری شان همراه آنها است و تقویت شان میکند. میدانم که این با درک بخش اعظم چپ ایران خوانائی ندارد، اما کل تاریخ جوامع طبقاتی از انقلابات قرن ۱۸ تا انقلاب اکتبر و بعد از آن این را بارها اثبات کرده است.

### رفرم و انقلاب:

ب... عزیز آنچه تو و بخش زیادی از چپ، آنرا دموکراتیک و سوسیالیستی مینامید، ما به آن رفرم و انقلاب میگوئیم اما بین این دو نیز دیواری نمیکشیم و حتی تحت عنوان حداقل و حداکثر هم آنها را تفکیک نمیکنیم. این دو تماما در هم تنیده اند. یک سوال ساده در این زمینه این است که مثلا مبارزه برای افزایش دستمزد یا کاهش ساعت کار دموکراتیک است یا سوسیالیستی؟ طب رایگان یا آموزش رایگان سوسیالیستی است یا دموکراتیک، نپرداختن قبض گاز و آب و برق چی؟ نمیدانم پاسخ تو به تقسیم بندی دموکراتیک و سوسیالیستی در مورد این خواست ها چیست؟ میدانم لنین هم از وظایف سوسیالیستی و دموکراتیک صحبت کرده اما خود لنین بارها تاکید میکند که اینها از هم تفکیک ناپذیرند، دو روی یک سکه اند، هر دو در آموزش طبقه کارگر به یکسان اهمیت دارند، که در صورت عدم حصول آزادی های سیاسی مبارزه موفقیت آمیز در راه آرمان کارگری غیر ممکن است، که تخطی از وظایف سیاسی عقب نشینی از اصول اساسی سوسیال دموکراتیک جهانی خواهد

## بازتاب هفته

### امکان محو فقر جهانی با درآمد سالانه ۱۰۰ ثروتمند

به نقل از سایت حزب همبستگی افغانستان:

موسسه انگلیسی آکسفام در گزارشی که به تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۳ انتشار داد از وضعیت ابتر جهان در ۲۰۱۲ و افزایش بی‌سابقه نابرابر و فقر هشدار می‌دهد. در حالی که در سال ۲۰۱۲ درآمد سالانه ۱۰۰ ثروتمند جهان به رقم ۲۴۰ میلیارد دلار رسیده است صدها میلیون تن از مردم فقیر در نقاط مختلف دنیا تنها با درآمد ۱ دلار و ۲۵ سنت در روز زندگی کرده‌اند.

در این گزارش گفته می‌شود که با درآمد یک ساله این ۱۰۰ ثروتمند می‌توان فقر جهانی را

محو نمود. این گزارش تخمین می‌زند که برای زدودن فقر مفرط در جهان سالانه به ۱۷۵ میلیارد دلار نیاز است.

در گزارش آمده است که درآمد سالانه ۱ درصد ثروتمند جهان طی بیست سال گذشته ۶۰ درصد افزایش داشته است و بحران اقتصاد جهانی چندسال اخیر نه تنها سبب کاهش درآمد ثروتمندان نشده بلکه فاصله درآمدی آنها با ۹۹ درصد باقی جمعیت جهان را افزایش داده است. بازار وسایل لوکس از آغاز بحران اقتصادی جهان، یک رشد دورقمی را شاهد بوده است و حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار در جهان همه چیز را در چنگ دارند.

آکسفام می‌نویسد:

در انگلستان نابرابری به سرعت به میزانی که از زمان چارلز دیکنز (۱۸۷۰ - ۱۸۱۲) تا بحال دیده نشده بود، رسیده است. در چین ده درصد برتر تقریباً شصت درصد عواید را در چنگ دارند. سطح نابرابری در چین حالا تقریباً مشابه آفریقای جنوبی است که نابرابرترین کشور در کره زمین است و وضع نابرابری بیشتر از زمان آپارتاید است ... در سراسر جهان اعتراضات اشغال شهرها خشم عمومی را از نابرابری که از حدش گذشته ثابت می‌سازد"

بنابر این گزارش در آمریکا درآمد یک درصد ثروتمند از سال ۱۹۸۰ به بعد دو برابر شده است. آکسفام نتیجه می‌گیرد که میدان سیاست نیز به وسیله مافوق ثروتمندان کنترل مس شود که در نتیجه حتی در دموکراسی‌ها نیز سیاستگذاری دولتها در خدمت چند سرمایه دار است و نه اکثریت فقیر.\*

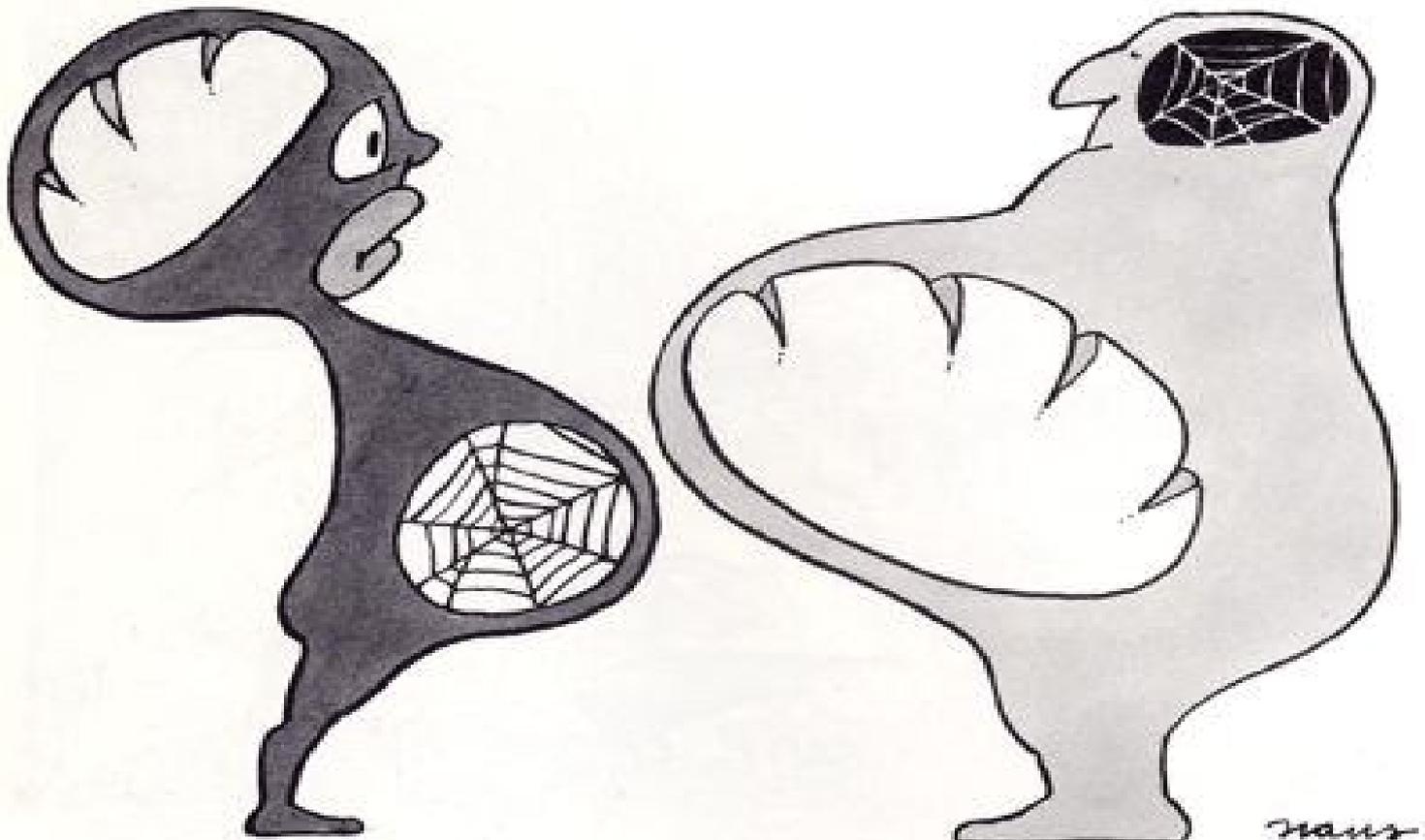
## دغدغه ها و هراس ها

### بهر روز مهربادی

جدید رایتل ابهاماتی وجود دارد و از مسئولان "مربوطه" خواسته است

که برای رفع نگرانی اقدام کنند. بدون شک برای دغدغه های ذهن بیمار علمای اسلام راه حل تکنیکی وجود دارد. یک نرم افزار ساده می تواند در مقابل "تشعشعات موی سر خانمها" واکنش نشان داده و آن را با حجاب بپوشاند و یا همزمان با نشان دادن تصاویر نامحرم يك خطبه محرمیت خوانده شود و هزینه آن از مشترک تلفن همراه دریافت شده و به حساب بیت رهبری واریز گردد. اما آنچه را که نمی شود درمان کرد هراس عظیمی است که در دل اوباش اسلامی افتاده است. علم، تکنولوژی، تمدن و پیشرفت پایه های اسلام و بنیان حکومت اسلامی را به خطر می اندازد. این کابوس همیشگی دست اندرکاران حکومت جهل و جنایت است و راه حلی برای آن پیدا نخواهند کرد.\*

حجج اسلام هیچ فرصتی را برای تولید سوژه مناسب جهت دست انداختن و مسخره کردن بلاهت و جهالت اسلامی از دست نمی دهند: سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس، حجت الاسلام سیدعلی طاهری، از دغدغه اعضای کمیسیون فرهنگی در مورد خدمات جدید اپراتور تلفن همراه رایتل در زمینه مکالمات تصویری خبر داده است. این نماینده مجلس در گفتگو با خبرگزاری رسمی ایسنا گفته است: "این موضوع در اعضای کمیسیون و بخش های مذهبی و متدین جامعه ایجاد نگرانی کرده که آیا در انتقال تصاویر رعایت محرم و نامحرم و حریم خصوصی افراد میشود یا نه." او گفته است که در میان اعضای کمیسیون فرهنگی در مورد مکالمات تصویر اپراتور



## اعترافات تازه : وزارت اطلاعات و قاچاق مواد مخدر



خلیل کیوان

جمهوری اسلامی یک رژیم سراپا فاسد است. بارها موارد متعددی از دزدیها و کلاه برداریهای حکومتی در جنگ و دعوای جنجالی بر ملا شده است. این روزها بازار افشاگری گرم است. موارد تازه ای از سوی بالاترین مقام های حکومتی اعتراف شده است که در نوع خود تازگی دارد. دو نمونه:

-لاریجانی رئیس مجلس دو هفته پیش به دست داشتن وزارت اطلاعات در جرایم اقتصادی اعتراف کرد. او گفت: در بسیاری از موارد مربوط به جرایم اقتصادی، رد پای رانت اطلاعاتی و افراد ذینفوذ دیده میشود که کار برای رسیدگی پیچیده تر می شود... در پی این اعتراف، از جانب روابط عمومی مجلس با صدور اطلاعیه ای سعی شد این موضوع تلطیف شود.

-مورد دیگر اظهارات پور محمدی رئیس بازرسی کل کشور است. او که بیشتر بخاطر انتصاب از جانب خمینی به کمیته معروف به "کمیته مرگ" برای کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ شناخته شده است، به نقش وزارت اطلاعات در قاچاق

موارد مخدر اشاره میکند. او در گفتگویی که در تاریخ ۲۴ دی ماه انجام داده است و در سایت بازتاب قرار دارد به موارد متعددی از تخلفات اقتصادی سران، آقا زاده ها و دستگاه های حکومتی اشاره میکند. او میگوید هزاران پرونده پشت درهای محرمانه این سازمان می تواند سرنوشت هایی را بالا و پایین کند. یکی از این پرونده ها دست داشتن وزارت اطلاعات در کار قاچاق مواد مخدر است.

صوف رژیم اسلامی درهم ریخته است. دعوای جناح ها حادثر میشود. این افشاگریها بازتاب گوشه ای از جنگ جناح هاست. اعتراف به دست داشتن وزارت اطلاعات در تخلفات اقتصادی و قاچاق مواد مخدر اینبار از زبان بلندپایه ترین مقامات رژیم اعتراف تازه ای است.

احمدی نژاد بارها تهدید کرده بود که دست به افشاگری خواهد زد و چیزهای نگفته ای را خواهد گفت. با نزدیک شدن انتخابات و بالا گرفتن دعوای جناح ها، ممکن است مخالفین احمدی نژاد دست پیش را گرفته و برخی از این اطلاعات را بصورت قطره چکانی خود برملا کنند تا به این ترتیب گریبان خود را از دست افشاگریهای احتمالی باند احمدی نژاد خلاص کنند. در جنگ جناح ها باید منتظر پرده های دیگری از برملا شدن فساد در حکومت را شاهد باشیم. بوی تعفن رژیم اسلامی همه جا را پوشانده است.\*

تنفر در بین مردم ایجاد کرد. اتحادیه ها کمی غرولند کردند و خود را ناراضی نشان دادند ولی دست به هیچگونه اقدام عملی نزدند. اوج وقاحت را در اظهارات ریکارد گوستافسون مدیر عامل شرکت در روز دوشنبه گذشته میشود دید. او از پرداخت پاداش به "اشخاص کلیدی" شرکت حمایت کرد و اعلام نمود که پرداخت پاداش به روسای شرکت ادامه پیدا خواهد کرد. این در حالی است که معاون او اظهار داشت در اواسط ماه نوامبر یعنی همزمان با کم کردن دستمزد کارکنان و پرداخت پاداش به روسا شرکت فقط برای ده روز نقدینگی داشت و در معرض ورشکستگی بود. صدها نفر از کارکنان شرکت اس آس در اظهار نظر های خود در رسانه های مختلف اعتراض و بیزاری خود را نسبت به این اقدام روسای شرکت اعلام کرده و گفته اند که این "اشخاص کلیدی" هیچ نقش مثبت و سازنده ای در شرکت ندارند.

شرکت اس آس و برداشت پاداش های کلان توسط روسای آن یک نمونه کوچک از حقه بازی و شیادی مرسوم در سرمایه داری است. این کلاهبرداری بطور آشکار و در مقابل میکروفون ها، دوربین ها و نور پروژکتورها انجام می شود. در حالی که کارگران و کارکنان موسسات عظیم اقتصادی باید مطابق "قانون" با بیگاری، کاهش دستمزد و کم شدن خدمات اجتماعی بار بحران عظیم اقتصادی سرمایه داری را به دوش بکشند، سرمایه داران و روسای این موسسات با روش های کاملاً "قانونی" به ثروت های میلیونی خود اضافه می کنند و خود را طلبکار هم می دانند. این وضعیت ادامه خواهد داشت تا اینکه اکثریت ۹۹ درصدی راه حل جدی برای کنار گذاشتن طبقه حاکم و قوانین حامی کلاهبرداری و استثمار آزا، پیدا کنند.\*

## بازتاب هفته

### کلاهبرداری زیر نور پروژکتورها



بهروز مهربادی

نگران روابط حسنه خود با دولت و با روسای شرکت هستند و عملاً ربطی به خواسته ها و شرایط کارگران و کارکنان شرکت ندارند.

روز ۱۹ نوامبر توافق بین شرکت و اتحادیه ها بر سر کسر حقوق کارکنان شرکت اعلام شد. آنچه که به کارکنان شرکت تحمیل شد، تحقیر آمیز و خرد کننده بود. ساعات کار هفتگی از ۴۴ ساعت به ۴۷ و نیم ساعت افزایش یافت، حداکثر ساعات کار روزانه به ۱۳ ساعت افزایش پیدا کرد و قرار شد که در سال یک ماه حقوق به کارکنان شرکت پرداخت نشود و آنها مجانی کار کنند. مدیران شرکت نیز قبول کردند که حقوقشان ۱۵ درصد کاهش پیدا کند.

در اواسط ماه ژانویه رسانه ها افشا کردند که در ماههای آخر سال قبل ۱۸ نفر از روسای شرکت اس آس معادل سه تا ۶ ماه حقوق، پاداش برای خود برداشت کرده اند. معلوم شد که در همان زمان که بخاطر خالی بودن صندوق شرکت اشک می ریختند و از کارکنان شرکت درخواست فداکاری می کردند، مبلغ ۱۴ میلیون کرون یعنی در حدود دو میلیون یورو به جیب های گشاد خود سرازیر کرده اند. در حالی که حقوق این روسا حداقل ده برابر کارکنان عادی شرکت است، درآمدشان بالاتر رفت و کاهش دستمزد فقط شامل کارکنان عادی شرکت شد. این در حقیقت پاداش حقه بازی روسا و مدیران شرکت بود که توانسته بودند، چنان شرایط کثیفی را به کارکنان تحمیل کنند. افشای این ماجرا موجی از انزجار و

خطر ورشکستگی شرکت هوایی اس آس یک موضوع مهم رسانه های کشورهای سوئد، نروژ و دانمارک در اوایل ماه نوامبر گذشته بود. نیمی از سهام شرکت اس آس متعلق به دولتهای این سه کشور و نیم دیگر سهام آن در اختیار بخش خصوصی است. در صورت ورشکستگی نزدیک به ۱۵ هزار کارکنان شرکت بیکار می شدند. تمام فشار روی شانه های این کارکنان قرار گرفت. مدیران شرکت آه و ناله می کردند. پولی در بساط نیست، باید رضایت بانکها را جلب کرد تا به شرکت وام بدهند. بانکها باید از سوددهی شرکت مطمئن شوند. ترس از تعطیل شدن شرکت و بیکاری را بالای سر کارکنان شرکت قرار دادند. تنها راه حل پیشنهادی کم کردن حقوق کارکنان شرکت بود. دولتهای سوئد، نروژ و دانمارک نیز از خواست کاهش حقوق حمایت می کردند. مذاکرات با ۸ اتحادیه و سازمان کارکنان شرکت چندین هفته ادامه داشت. اما بیشتر این اتحادیه ها و سازمانها با بخشی از احزاب حاکم در هم تنیده شده اند و از هر گونه تغییر جدی به نفع مزد بگیران وحشت دارند. آنها بیش از هر چیز

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## اوضاع سیاسی در عراق



نسان نودیانیان

امنیت و تامین معیشت و سپس در کردستان عراق علیه فساد و گندیدگی دستگاه حاکم - حکومت اقلیم - در سال ۲۰۱۲ در میدان مرکزی شهر سلیمانیه به مدت طولانی ادامه داشت.

با شروع اعتراضات در بغداد و سایر شهرها از جمله بصره باندهای اسلامی بویژه به رهبری مقتدا صدر نیز دست به تظاهرات خیابانی زدند، تظاهرات باندهای اسلامی مقتدا صدر فشار بر نوری مالکی و "پارلمان" او را بیشتر کرد. در تیرماه سال ۱۳۹۱ با به بن بست رسیدن مذاکرات مسعود بارزانی با نوری مالکی، فشار از دوجناح بارزانی - مقتدا صدر بر روی مالکی بیشتر شد. اینها خواستار سلب اعتماد از مالکی بودند. سلب اعتماد از مالکی بعد از مدتی فروکش کرد. با میانجیگری جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای این فشارها از جانب مقتدا صدر کمتر و کمتر شد.

در ماه های اواخر سال ۲۰۱۲ نوری مالکی با نقشه های از قبل تدارک دیده شده و با بسیج و آماده کردن تعداد زیادی از فرماندهان ارتش در رده های بالا و با تجارب سرکوب های خونین در دوره صدام حسین، ملزومات مستقر کردن لشکری از گردانهای نظامی را به اسم "سپاه دجله" را فراهم و در مناطق نزدیک به شهر کرکوک - طوز خورماتو - مستقر کرد. استقرار "سپاه دجله" همزمان بود با تحولات سریعی که در مناطق کردستان سوریه و ترکیه بوجود آمده بود. نیروهای ارتش سوریه در یک اقدام سریع بخش اعظم نیروهایشان را از شهرهای کردستان ترکیه به شهرهای "حلب" و اطراف "دمشق" اعزام کردند و عملاً نیروهای احزاب کرد "اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه" و نیروهای حزب کارگران کردستان

(پ.ک.ک) در تعدادی از شهرهای کردستان ترکیه مستقر شدند. در واکنش به این جابجایی ارتش سوریه از طریق زمین و هوا به این منطقه و به نیروهای پ.ک.ک.ک. حمله کرد که منجر به کشته شدن تعدادی از مردم و نیروهای دو طرف شد. در داخل کردستان عراق نیروهای مسعود بارزانی که استقرار و اعزام "سپاه دجله" را خطری جدی برای خود و امنیت شان در کردستان عراق میدیدند، در مقابل نیروهای دولت مرکزی سنگر بندی و عملاً جبهه جنگ و درگیری در این مناطق را ایجاد کردند. در شهر «طوز خورماتو» هم درگیری نظامی ایجاد شد. اما احزاب کردی در کردستان عراق - حکومت منطقه ای کردستان - به استقرار نیروهای پ.ک.ک.ک و حزب پارتی دمکرات روی خوش نشان ندادند و عملاً در کنار دولت ترکیه قرار گرفتند.

این تحولات به مدت چند ماه مرتب در حال تغییر و با هر اقدام و رایزانی مسعود بارزانی با مقامات دولت ترکیه از جمله مذاکرات مسعود بارزانی با احمد داود اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه در ارتباط با تحولات منطقه و همکاریهای دو جانبه باهم و سفرهای مسعود بارزانی به آمریکا و حمایتهای ضمنی آمریکا از حکومت اقلیم کردستان (ائتلافی) که در سال ۲۰۰۷ در قالب توافقنامه استراتژیک بین دو حزب به صورت رسمی پذیرفته شد و به منظور تشکیل حکومت مشترک به امضای طالبانی و بارزانی رسید و براساس آن حکومت اقلیم کردستان هر دو سال یک بار به ریاست یکی از اعضای دو حزب تشکیل می شود. و همچنین اقدامات تحریک کننده دولت نوری مالکی در شهرهای شمالی و تقویت سپاه دجله بعنوان اهرم فشار جدی به احزاب کرد و حکومت "هه ریم" و دولت ترکیه، بر میزان نظامی کردن و فضای جنگی در این مناطق افزود.

چالشهای اصلی بر سر قدرت و تقسیم اقتصاد و بودجه و عدم جوابگویی به ماده ۱۴۰ در مورد کرکوک و تعریف اختیارات دولت مرکزی، ارتش و نیروهای مسلح هه ریم کردستان کماکان مساله ای حل نشده و بی جواب باقی ماند. این چالش هنوز در شکل نسبتاً حاد ادامه دارد و به فضای سیاسی در کردستان عراق و شهرهای اصلی تر آن از جمله کرکوک سایه انداخته است.

جرقه نا آرامیها سه هفته گذشته با حمله نیروهای نظامی تحت فرماندهی نوری مالکی به واحد گارد رافع العیساوی وزیر دارایی از ائتلاف عراقیه زده شد که با واکنش مخالفین سیاسی نوری مالکی در شهر رمادیه (استان الانبار) با برپایی تظاهرات گسترده همراه بود و دامنه آن به شهرهای موصل، صلاح الدین (تکریت)، کرکوک و دیاله کشیده شد. در ۲۳ دی ماه حامیان نوری مالکی در شهرهای نجف و هم چنین شهر بصره در جنوب عراق، به خیابان ها آمده از مقامات عراق خواستند تا در مقابل درخواستهای مطرح شده مبنی بر تغییر قوانین ضدترور در این کشور، پایداری کنند. آنها همچنین درخواست معترضان برای لغو قانونی که از به قدرت رسیدن مقامات حزب بعث جلوگیری می کند را مورد انتقاد قرار دادند.

عراق عملاً از تاریخ ۲۳ دسامبر سال ۲۰۱۲ میلادی صحنه تظاهرات ضد دولتی و تظاهراتی در حمایت از دولت این کشور است. در راس ائتلاف عراقیه عللای قرار گرفته که در انتخابات دوره گذشته از رای بالایی برخوردار بود. در ارتباط با ناآرامیهایی که در ماه های آذر و دی ماه سال ۱۳۹۱ در شهرهای غربی ایجاد شده بود، بیانیه عراقیه که توسط سلمان الحمیلی رتدس فراکسیون پارلمانی عراقیه در یک کنفرانس مطبوعاتی قرائت شد، سیاست نوری مالکی علیه

رقبایش را محکوم کرد. این بیانیه اعلام کرد: "اوضاع کنونی سریالی از بحرانها است که از جانب نوری مالکی ایجاد میشود تا روی شکست در خدمات رسانی و فساد مالی و اداری و امنیتی سرپوش بگذارد." در این بیانیه همچنین حادثه دستگیری افراد گارد رافع العیساوی را تأکید بر "یک سیاست اشتباه تکروانه دانسته شد که رئیس دولت و ارگانهای امنیتی تحت امر مالکی انجام میدهند، امری که تهدید واقعی برای کشور و بافت اجتماعی عراق را تشکیل میدهد." با انتشار این بیانیه عملاً ائتلاف عراقیه موضع جدید خود در مقابل جبهه مالکی را روشن کرد. رئیس جمهور عراق عزت ابراهیم، معاون صدام حسین رئیس جمهور پیشین عراق پس از مدتها بر صفحه تلویزیون ظاهر و با تظاهراتی که در مناطق سنی نشین غرب عراق علیه نوری مالکی نخست وزیر این کشور راه افتاده است اعلام همبستگی کرد. او همچنین گفت که به عراق بازگشته و این پیام را از استان بابل در مرکز عراق می فرستد. «ورود اینها به سیاست در عراق هر چند جدید نیست اما در شرایط کنونی به صف بندیهای ائتلافهای تاکتونی میفزاید و البته جامعه و جنبش آزادیخواهی و انقلابی را با مشکلات جدی تری مواجه خواهد کرد.

در دو ماهه گذشته بر میزان انفجار و عملیاتیهای انتحاری افزوده شده است. ۴ بهمن ماه در آخرین عملیاتیهای انتحاری در یک مسجد شیعیان در شهر «طوز خورماتو» ۲۱ نفر کشته شده اند و در سایر عملیاتیهای انتحاری ۳ بهمن ماه بیش از ۱۸ نفر در بغداد و اطراف این شهر کشته شده اند.

مساله قدرت حکومتی و سیاسی در عراق هنوز باز است. رویادهای سوریه و یکسره نشدن

## نامه ای به یک رفیق

از صفحه ۵

بود. در عمل و در پراتیک مبارزاتی نیز لنین مظهر و تجسم تلفیق هوشیارانه این دو عرصه بود.

در مبارزه عملی اینکه مثلا رفرم یا انقلاب، کدام مهمتر و کدام حاشیه ای تر است بنظر من بی معنی است. شاید در روزهای انقلاب این سوال درستی باشد اما هر روز که انقلاب نیست. من از تو سوال میکنم که امروز جبهه های نبرد طبقاتی چیست؟ مبارزه و مقاومت وسیعی که علیه ستم به زنان وجود دارد جزو مبارزه طبقاتی هست یا نه؟ مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه علیه اعدام کارگری است یا غیر کارگری؟ اصلا زندانی کردن مردم بخاطر عقاید سیاسی و اعتراضشان به ستم و بیحقوقی هدف چیست؟ برای مرعوب کردن جامعه و قبل از هر کس کارگران هست یا نه؟ شکنجه و اعدام برای ترساندن مردم و قبل از هر کس طبقه کارگر هست یا نه؟

در سیستم ما بحث رفرم و انقلاب یکی از کلیدی ترین مباحث است. یکی از ارکان جنبش ما است. در برنامه "یک دنیا بهتر" بخشی تحت عنوان انقلاب و اصلاحات است که جایگاه اصلاحات را برای ما نشان میدهد. از جمله میگوید: "انقلاب کارگری یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد. موانع گوناگونی باید از سر راه آن کنار زده شوند. این تلاش فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری و مضمون فعالیت هرروزه آنرا تشکیل میدهد. اما در همان حال

که این مبارزه برای سازماندهی انقلاب کارگری جریان دارد، میلیاردها انسان همچنان در تکاپوی هرروزه برای تامین معاش و آسایش خود در متن یک جهان سرمایه داری اند. مبارزه انقلابی برای برپائی یک دنیا نو، از تلاش هرروزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر در همین دنیای موجود جدائی پذیر نیست". و همانجا تفاوت های این مساله با رفرمیسم توضیح داده شده است. توصیه میکنم این بخش برنامه را مجددا نگاه کنی.

از دید ما "هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوازی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد بود". مگر اینکه مثل چپ قدیم فکر کنیم هرچه مشقات مردم، فقر و سرکوب و بیحقوقی بیشتر باشد مردم زودتر انقلاب میکنند! بیخود نبود که لنین میگفت که یک دمکرات پیگیر نمیتواند سوسیالیست نباشد. و در سنت ما یک کمونیست کارگری نمیتواند فعال حقوق مردم در زمینه های رفاهی و سیاسی نباشد. ما حضور فعال در هر دو جبهه رفرم و انقلاب را شرط حیاتی پیروزی نهائی طبقه کارگر میدانیم و دیواری بین آنها نمیکشیم. هرچه طبقه کارگر امنیت، حرمت، رفاه و آزادی بیشتر داشته باشد به انقلاب اجتماعی نزدیک تر خواهد بود نه برعکس. حزب و نیروئی که در

سنگرهای مبارزه برای دستمزد و آزادی زندانی سیاسی و طب رایگان و حقوق زن حضور نداشته باشد، معلوم نیست چرا مردم باید به او نزدیک شوند. مردم به درست چنین احزابی را به زندگی خود بی ربط خواهند دید.

در انقلاب ۱۹۱۷ پایان دادن به جنگ و زمین از محوری ترین جبهه های نبرد طبقاتی بود که با رهبری بلشویک ها به سرنگونی دولت کرنسکی و استقرار حکومت کارگری منجر شد. در ایران مبارزه علیه مذهب و حکومت مذهبی، علیه بیحقوقی زن و مبارزه حول خواست های اقتصادی و رفاهی مردم، علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی مبرم ترین جبهه های نبرد است. انقلاب کم و بیش حول همین ها صورت میگیرد و بسته به اینکه چه کسی رهبر انقلاب شود آن انقلاب به نتایج متفاوتی خواهد رسید. روشن است که بدون لغو استثمار هیچکدام اینها متحقق نمیشود و هر کدام هم به هر درجه متحقق شود شکننده و موقت خواهد بود. اما بدون مبارزه روزمره در این جبهه ها به جایی نمیرسیم که استثمار را براندازیم. نه جامعه بدون مبارزه هرروزه برای بهبود شرایط زندگی اش در زمینه رفاهی یا سیاسی، جلو میرود و آماده یک انقلاب سوسیالیستی میشود و نه حزب کمونیستی جایی پیدا خواهد کرد. برای ما اینها عرصه های حیاتی و تعیین کننده مبارزه طبقاتی است. همینطور که برای طبقه کارگر اینها جزء لاینفک زندگی اش میباشد. درک ما این نیست که ما فقط برای نفی استثمار مبارزه میکنیم و کاری به این کارها نداریم و حداکثر این خواست ها "می توانند مطرح باشند!" تصور کن یک روز مبارزه حول خواست

های روزمره مردم وجود نداشته باشد. در این صورت با جامعه مردم ای سر و کار داریم که نه دیگر بحثی از سوسیالیسم میتواند در کار باشد نه مبارزه طبقاتی.

واگذاری سیاست به جنبش ها و طبقات دیگر

یک وجه دیگر اهمیت ندادن به رفرم و غیر سوسیالیستی دیدن این فعالیت و عدم حضور در جدال های واقعی و هرروزه جامعه، سپردن امر اصلاحات به طبقات حاکم است که اجازه پیدا کنند افق جامعه را از این طریق تعیین کنند. هر اصلاحی در وضعیت اقتصادی یا در آزادی های سیاسی و غیره انجام شود هم از نظر منافع همین امروز مردم مهم است و هم راه را برای انقلاب سوسیالیستی هموار میکند. اگر کمونیست ها در امر مبارزه برای رفرم فعال نباشند و در خط مقدم آن قرار نگیرند، اجازه میدهند که پرچم اصلاحات در دست اقشار و طبقات دیگر قرار گیرد. و در اینصورت اولاً رفرمی صورت نمیگیرد و یا در مینیموم ترین حد خود صورت میگیرد و ثانیاً بورژوازی در بحث حول رفرم و خواست های روزمره مردم حرف آخر را میزند، افق خودش را تحکیم میکند و قدرت عمل انقلابی مردم را از آنها سلب میکند. در جامعه ای که فضای انقلابی و تحریک رادیکال برای رفرم در آن موجود باشد بورژوازی بیشتر مجبور به رفرم میشود. و با هر عقب نشینی، طبقه کارگر قدرت خود را میبیند و برای خواست های بیشتر جلو میاید.

و بطور واقعی موقعی طبقه کارگر بعنوان یک نیروی سیاسی وارد میدان میشود که از منافع کل جامعه دفاع کند. کارگری که در چهاردیواری کارخانه برای

افزایش دستمزد میجنگد مشغول امر صنفی برای خود میباشد. چنین کارگری را جامعه به عنوان رهبر خود انتخاب نخواهد کرد. دلیلی ندارد انتخاب کند. کارگری که پرچم آزادی پوشش و آزادی مذهب و بی مذهبی و آزادی های سیاسی را بلند نکند و بعنوان منجی جامعه قدم جلو نگذارد، هنوز وارد سیاست نشده است که بخواهد اعتماد کسی را بخود جلب کند. چپ ایدئولوژیکی که این خواست ها را دور شدن از هویت طبقاتی کارگر میبیند، نهایتاً مانند یک کارفرما به کارگر نگاه میکند. بعنوان یک فروشنده نیروی کار که حداکثر مجاز است بر سر دستمزد و ایمنی محیط کار با کارفرما درگیر شود. در این تفکر کارگر انسانی نیست که مدرسه بهتر برای کودکش، بهداشت بهتر، سکولاریسم و غیره برایش اهمیت داشته باشد. عیناً شبیه همان پوپولیسم دهه شصت که مبارزه حول این مطالبات را به آینده جامعه سوسیالیستی احاله میداد و در عمل سیاست را به طبقات دیگر واگذار میکرد و کارگر را دنبال نخود سیاه میفرستاد.

مردم در مبارزه بر سر همین خواست های روزمره شان است که قدرت خود را میبینند، متشکل میشوند و مدام به دولت بورژوائی ضربه میزنند، تضعیف میکنند و زمینه را برای ضربه نهائی آماده میکنند. قابل تصور نیست که طبقه کارگر در سنگرهای متعددی نجنگد و یک روز صبح به قصد نابودی استثمار دست به تصرف کاخ مستبدان بزند. این سنگرهای متعدد حول همان خواست هائی است که از جانب بخشی از چپ فرعی و حاشیه ای بشمار میرود و

ادامه صفحه ۱۰

# انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## نامه ای به یک رفیق

از صفحه ۵

ظاهرا میتوان تحت عنوان خواستهای غیر کارگری از دستور خارج کرد.

برای ما مبارزه برای بهبودهای سیاسی و اقتصادی از ارکان کمونیسم مان بشمار میرود. با اینکار ضمن ایجاد بهبودی در زندگی همین امروز مردم، جامعه را در یک حالت تعرضی تر برای پیشروی بعدی آماده میکنیم. ممکن است یک جریان غیر کمونیست هم تحت فشار چپ جامعه مجبور شود از طب رایگان دفاع کند در اینصورت آنرا پیشروی خود میدانیم و جامعه هم اینرا میبیند و یک امتیاز بزرگ به کمونیست های آن مملکت میدهد. بعلاوه بورژوازی که تحت فشار جنبش های سوسیالیستی مجبور به درجه ای آزادی یا رفاه میشود هیچگاه نخواهد توانست عمیق و رادیکال از آن دفاع کند، برعکس منتظر فرصت است که آنرا پس بگیرد. اگر رضا پهلوی امروز مجبور میشود علیه اعدام صحبت کند به این خاطر است که فضای چپ جامعه عرصه را بر او تنگ کرده است، اما رضا پهلوی به این سادگی ضد انسانی بودن این عمل شنیع را نمیتواند توضیح دهد بلافاصله با این مساله مواجه میشود که حکومت پدر ایشان هم جنایت میکرده است. هیچگاه نخواهد توانست کثیف بودن و ضد انسانی بودن شکنجه را توضیح دهد یا پنج دقیقه ماهیت جنایتکارانه سرکوب عقاید و زندانی کردن مردم بخاطر عقاید سیاسی شان را توضیح بدهد چون با موقعیت او تناقض دارد.

برای جریان ما این تفکر و این متد ریشه در همان مبارزه ما علیه پوپولیسم در دهه شصت دارد که تو هم بعنوان یک اقدام مثبت منصور حکمت از آن اسم برده ای. پوپولیسم امرش

سوسیالیسم نبود. از نظر جنبشی به جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر تعلق نداشت. دنبال سرمایه داری ملی و مستقل و مترقی بود. سوسیالیسم امر فوری او نبود، یعنی سوسیالیست نبود. این مطالبات هم امر او نبود. یعنی نه سوسیالیسم امرش بود نه رفم. دنبال صنایع سنگین بود و رشد بورژوازی ملی و موزون و دقیقا به همین دلیل بخش اعظمش در سیاست دنبال جناح هائی از حکومت روانه شد. پوپولیسم کم و بیش تمام شد یا لاقبل به عنوان یک جنبش و یک حرکت تمام شد و الان در گروههای متروکه و بی ربط به جامعه اینجا و آنجا شنیده میشود اما دوره اش تمام شد. ادامه آن تفکر را اما

هنوز هم در اغلب سازمان هائی که در آن دوره پوپولیست بودند به اشکال مختلف میتوان دید. جوهر و متد تفکر آنها تغییر محسوسی نکرده است. برای ما نیز این حرفها ادامه همان سوسیالیسم و مارکسیسم انقلابی ما است که در مقابل پوپولیسم میگفتیم، اینها برای ما عین تبلیغات سوسیالیستی است، همانطور که در مورد حق تشکل کارگر و حق اعتصاب صحبت میکنیم همانطور هم در مورد اعدام و مذهب صحبت میکنیم. در مورد محیط زیست و صنایع اتمی هم همینطور حرف میزنیم. اصلا نمیدانم چطور میشود پدیده ای در جامعه سرمایه داری را نقد کرد بدون اینکه به سرمایه داری کاری نداشت. برای یک کمونیست اینها اجزاء صبح تا شب پراتیک مبارزاتی اش را شکل میدهد.

برای بخشی از چپ نفس سوسیالیسم در اسم بردن از کارگر و سوسیالیسم و مقداری نقل قول از مارکس و لنین خلاصه میشود و هرچه غیر از آن باشد غیر سوسیالیستی و دور شدن از کارگر

معنی میدهد. یک "کمونیسم" روحانی، غیر دخالتگر و بی تاثیر در زندگی مردم که در عالم خلسه فکر میکند دارد علیه استعمار مبارزه میکنند. خوشبختانه الان بخش پیشرو جنبش کارگری هم دارد با فرهنگ و درک جدیدی به میدان میاید و علیه اعدام و بی حقوقی کودک و سیستم قضائی و همه چیز حرف میزند و دیگر شکل و شمایل بیست سال قبل را ندارد. حتی زندانیان سیاسی هم علیرغم همه فشارهائی که روی آنها است به همه چیز کار دارند.

خلاصه کنم رفم و انقلاب توضیح درست تری برای آن چیزی است که تو و بخش اعظم چپ آنرا دمکراتیک و سوسیالیستی میخواند. و مهمتر اینکه این دو عرصه مطلقا از هم قابل تفکیک نیستند.

نامه ام به درازا کشید و هنوز به بحث انقلاب انسانی نرسیده ام. ولی فکر میکنم بحثی که نوشتم متد ما را در برخورد به مساله حکومت انسانی هم توضیح میدهد. در نامه بعد بطور مشخص در مورد انقلاب انسانی و حکومت انسانی خواهم نوشت. بحث رفم و انقلاب که همانطور که گفتم یکی از گرهی ترین مباحث ما است و تفاوت ما را نیز با سایر جریانات نشان میدهد، جوانب دیگری نیز دارد از جمله اهمیت این خواست ها در دورانی که بورژوازی عقبگردهای بیشتری کرده است و آنهم برای ایران تحت حکومت سرکوبگر مذهبی که امیدوارم در فرصت های دیگری در مورد آن بحث کنیم.

امیدوارم وقت کنی و این نامه را با حوصله بخوانی. بسیار خوشحال میشوم که نظرت را برایم بنویسی.

برایت شادی، تندرستی و سربلندی آرزو میکنم.\*

اصغر کریمی

۲۳ ژانویه ۲۰۱۳

## اوضاع سیاسی در عراق

از صفحه ۸

وسیع باندهای اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی و سلفی ها تحت حمایت عربستان سعودی در مکانیسم و روابط سالم سیاسی توده های مردم برای ایجاد تشکلهای توده ای قدرتمند نقش منفی دارند.

سرنگونی بشار اسد و جمهوری اسلامی هر کدام فاکتورهای جدی در تغییر اوضاع نابسامان و پیچیده کنونی در عراق هستند. با سرنگونی هر کدام از اینها انسانیت و دفاع از حرمت و کرامت انسانها بدور از دخالت باندهای مافیایی از مقتدا صدر، تا نوری مالکی و ائتلاف العراقیه علاوی و نیروها و ژنرالهای جلا و مافیایی بعضی ها، راحت تر خواهد شد. سرنگونی بشار اسد و جمهوری اسلامی با خود تعداد از نیروهای باند سیاهی و سناریو سیاهی کنونی در عراق را تضعیف و تعدادی از آنها را به حاشیه خواهد راند.

«فجایع مختلف و عواقب آنها که مردمان را تحقیر میکنند میتوانند به عنوان نشانه هایی باشند که انسان را به «تفکر درباره فاجعه» ترغیب میکنند، همانطور که امانوئل کانت در کتاب « پایان هر چیز» مینویسد: « نشانه های اعلان کننده آخرین روز (...) همه از نوع رعب آورند. بعضی آن را در پیروزی بی عدالتی میبینند، در سرکوب فقرا (...) برخی آنها را در تغییرات ناگهانی طبیعت، مثل زلزله ها، سیل ها، ستارگان دنباله دار یا شهاب ها میبینند». بنابراین سیاسی مردم و کارگران بسیار دشوار و با موانع جدی در راه ایجاد صف مستقل خود برای برپایی تظاهرات و اعتراضات توده ای با شعار و مطالبات فوری، روبرو است. عدم امنیت اجتماعی و عملیتهای انتحاری خود عامل و فاکتور جدی هستند. دسته بندیهای قومی. مذهبی، حضور

مساله سرنگونی بشار اسد و دخالتهای جمهوری اسلامی در عراق و سوریه بر وخامت اوضاع سیاسی افزوده است. نوری مالکی سناریوی فوری تحکیم پایه ها حکومتی در حمایت اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی را در دست انجام دارد. این سناریو با توجه به فاکتورهای بالا و موج نا آرامیها، و با توجه به سرایشی سناریوی سرنگونی بشار اسد، کارآیی چندان و استراتژیکی برای نوری مالکی در بر نخواهد داشت. اوضاع سیاسی در عراق نا متعین است. دخالت امریکا و قدرتهای منطقه ای ائتلاف امریکا و سرنوشت سرمایه گذارها توسط کنسرنها و شرکتهای متعدد از امریکا، چین و ژاپن و کره جنوبی و ایران و ترکیه هنوز در صحنه اقتصادی - سیاسی و با قدرت عمل، اعمال میشود. عراق کشوری با سناریوهایی متفاوت در چنگال سرمایه جهانی و قدرت های منطقه ای است. بیرون آوردن این اوضاع از حالت غیر متعارف و پیچیده کنونی کار ساده و راحتی نیست.

فاکتور مهم در این شرایط نارضایتی توده های مردم از اوضاع کنونی است. اعتراض به اوضاع نابسامان اقتصادی، عدم امنیت در شهرهای عراق در بغداد، بصره، سلیمانیه و تعداد بیشتری از شهرها در اشکال تظاهرات خیابانی اما مقطعی وجود داشته است. جبهه های نبرد سیاسی مردم و کارگران بسیار دشوار و با موانع جدی در راه ایجاد صف مستقل خود برای برپایی تظاهرات و اعتراضات توده ای با شعار و مطالبات فوری، روبرو است. عدم امنیت اجتماعی و عملیتهای انتحاری خود عامل و فاکتور جدی هستند. دسته بندیهای قومی. مذهبی، حضور

۲۳ ژانویه ۲۰۱۳

۶ بهمن ۱۳۹۱

## ماجرای استعفای بهمنی و دعوای دزدان حکومتی!



محمد شکوھی

ماجرای حکم دیوان محاسبات مبنی بر انفصال از خدمت بهمنی رئیس بانک مرکزی رژیم به دنبال اعلام تحقیق و تفحص مجلسی ها از بانک مرکزی، موضوع جدید کشمکش باندهای حکومتی شده است. مجلسی ها به بهانه "شفاف نبودن" سیاستهای بانک مرکزی، کوتاهی در باره موضوع معوقات بانکی، برداشتهای شبانه دولتی ها از بانک ها، دستکاری بانک مرکزی در افزایش و بالا نگه داشتن قیمت دلار مرجع، که منبع درآمدهای افسانه ای برای دولت بود، در صدد "مقابله" با سیاستهای بانک مرکزی که تحت کنترل باند احمدی نژاد می باشد، برآمده و فشارشان را بر باندهای دولتی افزایش بدهند. از آنجا که بانک مرکزی طبق قوانین حکومت در اختیار دولت است و دولت سیاستهای پولی و ارزی را تعیین می کند، مجلسیها متوجه شده اند که در این مورد سرشان بی کلاه مانده و باندهای دولتی علیرغم توصیه ها و تاکیدات مجلس در همسویی بانک مرکزی و دولت با مصوبه های مجلس، کار خودشان را کرده و اقتصاد مملکت را "بحرانی" کرده اند. به این منظور چندین کمیسیون و گروه برای رسیدگی به موضوع سیاستهای دولت و بانک مرکزی تشکیل داده اند. مرکز پژوهش های مجلس در این مورد از همه فعالتر بوده است. تعدادی از نمایندگان فراکسیون اصولگرایان مجلس فشارهایشان به دولت و بانک مرکزی را مدام

افزایش داده تا به گفته خود، آنها را ناچار به پاسخگویی کنند. بانک مرکزی بر مجلس می گویند که سیاستهای دولت و بانک مرکزی با سیاست های "نظام" منطبق نیست! بانک مرکزی با دست گذاشتن بر منابع پولی و بویژه دلار و در زدو بند با سایر بانکهای تحت کنترلش، مسئول گرانیهها، تورم، بالا نگه داشتن قیمت ارزهای خارجی و ... می باشد. به یک معنا مسئول وضعیت وخیم اقتصادی و پولی حکومت، را به گردن بانک مرکزی و دولت می اندازند.

مجلسیها از دیوان محاسبات رژیم کمک گرفتند و روز سه شنبه هفته گذشته دیوان محاسبات رژیم حکم انفصال از خدمت بهمنی را صادر کرد و از دولت خواست که حکم را اجرا نماید. در واکنش به این حکم، دولت و احمدی نژاد، بعد از دو سه روز سردرگمی، تصمیم به مقاومت گرفتند. بهمنی اعلام کرد که "سرباز امام زمان هستم، پس استعفا نمی دهم". او پای باند مخالف و از جمله بیت رهبری را به میان کشید که بقول او "امنیتی و غیر قابل بیان است".

وی گفته است: "طرح تحقیق و تفحص از بانک مرکزی قیمت ارز را ۵۰۰ تومان افزایش داد. کمیسیون اصل نود ۶ ماه عملکرد ما را بررسی کرد و الان هم کمیسیون های تخصصی مجلس می توانستند بدون سروصدا عملکرد ما را بررسی کنند. اکنون به حد کافی با خارج از کشور مسئله داریم و اینکه در بوق و کرنا کردند که می خواهیم از بانک مرکزی تحقیق و تفحص کنیم، دنیا می گوید مگر چه خبر است؟ پشت تحقیق و تفحص مسائل و ابهاماتی است که اگر لازم باشد می گویم و این مسائل کاملاً هم امنیتی است که حتماً باید دیده شود. درباره حکم انفصال از

خدمت خود که دیوان محاسبات صادر کرده، معتمد، بنده ۴۶ سال سابقه کار دارم و ۱۵ سال است که بازنشسته شدم و حکم رئیس جمهور برای من واری حکم بازنشستگی من است. اگر بانک مرکزی تخلفی داشته باشد جرم مشخص شود که حالا می گویند جرم من برداشت پول از حساب افراد خاطی است و نگفتند که بخش خصوصی بوده و پول یا برای حساب شخصی ام برداشتم. وقتی یک سال است فریاد می زنند ارز را چه کسی برده و از مابه التفاوت آن سود برده ما ۸۰ بازرس فرستادیم و این را بررسی کردیم و ۳۰ هزار میلیارد تومان برداشت و به حساب خزانه واریز کردیم و بقیه را نیز برمی داریم. بانک مرکزی به افراد ارز داده اما برخی به جای واردات کالا ارز را در بازار آزاد فروختند که اکنون باید آن را پس بدهند چون بیت المال است. اعتقاد من این است بسیاری از کسانی که به تحقیق و تفحص از بانک مرکزی رای داده اند، مسائل کشور و جریانها را نمی دانند و این مسائل هم امنیتی و غیر قابل بیان است".

بهمنی صریحاً به مجلسیها گوشزد می کند که مواظب باشند. او به "برداشتهای افراد خاطی" و شماره حسابهای شخصیتها و ارگانهای دیگر رژیم اشاره می کند که هر کدامشان به نوبه خود از بانکها پول برداشت کرده اند. او دو هفته قبل نیز در مصاحبه دیگری در مورد لیست "برداشت های غیرقانونی" برخی از سران حکومت که به دستور مقامات بالای نظام از بانک ها صورت گرفته، اشاره کرد. کسانی که به گفته بهمنی "بحران ارزی" راه انداختند و نگذاشتند ایشان دلار

۲هزار تومانی را عملی نماید. این سخنان بهمنی اشاره به دست داشتن خامنه ای و بیت رهبری، سپاه و بسیج و ... در برداشتهای

بدون اجازه بانک مرکزی و واریز هزاران میلیارد تومان به "جاها و پروژه هایی" است که به گفته وی در دستور دولت نبوده است. او در مورد کسانی صحبت می کند که دلار دولتی را گرفته و در بازار آزاد فروخته اند. "سفارشات" مبنی بر تامین هزینه ها و اعتبارات مالی برخی ارگانهای رژیم توسط این بانک عملی شده که محل هزینه شدنشان معلوم نیست.

بهمنی در راس سیستم مالی حکومت قرار دارد و بدون شک بهتر از هر کسی میدانند که کدام باند و دار و دسته و به سفارش چه کسی پول از بانکها برداشت کرده است. او با این گفته هایش به حریفان گوشزد می کند که بیشتر از این موضوع ماندن و یا نماندنش در راس بانک مرکزی و تحقیق و تفحص از بانک را کش ندهند، چرا که به ضرر کل نظام است. او با این افشاگری، بطور ضمنی می گوید که دولت همه کاره است و مجلس و دیوان محاسبات کاره ای نیستند که وی را برکنار نمایند. بهمنی بدون توجه به درخواستهای مجلس، مبنی بر توقف برداشتهای دولتی ها از بانک ها تا مشخص شدن نتیجه تحقیق از بانک مرکزی، تاکید کرده که ۲هزار میلیارد تومان برداشت خواهد کرد. چرا که این برداشتها در هزینه های جرای دولت و ارگانها و وزارت خانه پیش بینی شده و دولت مجوز برداشتها را قبلاً تائید کرده است.

در پس این دعوای دولت، بانک مرکزی و مجلس، دعویایی بس بزرگتر باندهای رژیم بر سر دست گذاشتن بر کل دارایی های

مالی کشور قرار دارد. باندهای حکومتی برای تصاحب و دزدیدن هر چه بیشتر پول و ثروت ها و تصاحب بانک مرکزی روبروی هم صف کشیده اند. فشارها و تقلبهای مجلس در برخورد به ماجرای بهمنی و بخت شدن باندهای مخالف دولت پشت تلاش های مجلسیها، در عین حال بیانگر سر و سامان یافتن کل جریانها و باندهای مجلسی با حمایت بیت رهبری برای کوتاه کردن دست دولتی ها از منابع مالی و در اختیار گرفتن آن می باشد. اما دولتی ها فعلاً کوتاه نیامده و متقابلاً مجلسیها فشارهایشان را افزایش داده اند. تحمیل استعفای بهمنی به دولت، سنگری است که مجلس در برابر دولتی ها انتخاب کرده است تا قدرت و سنبه پرزور خودش را به دولت نشان بدهد. دعوای دزدان و قاتلان مردم در اساس بر سر تامین و ادامه کاری دزدبپایشان و سهم خواهی بیشترشان در هرم قدرت جمهوری اسلامی می باشد. زورآزمایی دولتیها و مجلس بر سر موضوع ماندن و یا نماندن بهمنی بر ریاست بانک مرکزی جمهوری اسلامی، یک دعوای حاد و جدی باندهای حکومتی است. خامنه ای فعلاً جانب "احتیاط" را در این دعوای گرفته است. او موقعیت نظام را ضعیف تر از آن می بیند که وارد زورآزمایی شود. او ناچار به مدارا کردن با دلچکی مثل احمدی نژاد است. ترس از حرکت مردم او را ناچار به این کار می کند. مردمی که منتظر فرصت هستند تا حکومت جانوران اسلامی، حکومت دزدان و قاتلان را به زیر بکشند.\*

**... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!**

## زنان "سرپرست" خانواده

### فرح صبری

خبرگزاری ایلنا از قول حسین انواری سرپرست کمیته امداد کشور از تعداد یک میلیون و چهل هزار زن سرپرست خانواده در کشور خبر داده است که به قول ایشان خانواده و ایجاد مشاغل خانگی را با هم مدیریت میکنند. هرچند آمار ارئه شده بی شک در بر گیرنده همه زنانی که به طور مستقل زندگی میکنند نمی باشد، ولی تا همین جا میتوان گفت میلیونها زن و کودک و سالمند و بیمار در بی تامین ترین وضعیت، زندگی میکنند.

زن سرپرست خانواده در جمهوری اسلامی یعنی اینکه در عین حال که شما یک انسان به شمار نمی آید وظایف سنگین سرپرستی یک خانواده را نیز به عهده شما میگذارند. در سخنان جناب آقای انواری این مضمون هم نهفته است که ایجاد مشاغل "خانگی" به عهده این زنان است. یعنی برای زنان اساسا داشتن یک شغل با اعتبار اجتماعی فرض نشده است و باید زنان سرپرست خانواده با همان شغلهای خانگی زندگیشان را بچرخانند. ایشان در ادامه برای خودشان کف میزند که: تعداد ۸۰ هزار خانواده سال گذشته دارای فرصت شغلی شدند و از دایره پوششی کمیته امداد خارج شدند، در سال جاری نیز تعداد ۱۰۰ هزار خانواده فرصت شغلی پیدا کردند که جشن خودکفایی آن‌ها برگزار می‌شود، در سال ۹۰ تعداد ۳۲۰ هزار فرصت شغلی ایجاد و در سال جاری تعداد ۳۰۰ هزار فرصت شغلی و ۲۰۰ هزار طرح اشتغالزایی روستایی نیز در دست اجرا است. البته فرصت های

شغلی اندکی که ایشان از آن نام میبرد در واقع همان وامهایی با سقف ۲ تا ۳ میلیونی است که با هزار مصیبت و ضامن و سفته تحت عنوان "خوداشتغالی" به این زنان میدهند تا با آن احيانا يك چرخ خیاطی یا سبزی خردکنی یا بافندگی و ... تهیه کنند و با بکار گرفتن همه اعضا خانواده از جمله کودکان و سالمندان بیمار ... بتوانند "خودکفا" شوند و خیال آقای انواری و کمیته دزدی امام راحت باشد تا بتوانند تحت عنوان این همه "امداد رسانی"، جشن برپا کنند و به لفت و لیسانس ادامه دهند.

انواری با لحنی فیلسوفانه می گوید: "نگاه به فقرا بعضا در جامعه تحقیر آمیز است. باید این دیدگاه عوض شود و باید فرهنگ همیاری و دستگیری از نیازمندان در سطح جامعه قوی تر از سابق گسترش پیدا کند." باید به این جناب انواری گفت این شما و اربابانتان هستید که فقر را بر جامعه حاکم کرده اید و این فرهنگ اسلامی شما است که با "صدقه" و "دستگیری از نیازمندان"، غارت شدگان را مورد تحقیر قرار می دهد. شما که فقر این زنان را فرض میگیرید باید بدانید که مردم با یک دید حق طلبی به وضعیت خودشان نگاه میکنند و به خوبی میدانند حق داشتن یک زندگی شاد و مرفه شان در گروی شما مفت خوران اسلامی گیر کرده است که باید به قدرت اتحاد مردم از حلقوم شما جانیان بیرون کشیده شود. و کمیته امداد از آن نهادهایی است که دستش برای مردم رو شده است. نه تنها بودجه هایی که به حسابشان ریخته میشود را بالا میکشند

بلکه سود حاصل از خرافاتی که بین مردم تحت عنوان "صدقه" رواج میدهند، را باید به دزدیهایشان افزود. البته از افتخارات دیگر این کمیته ی "امداد" دزدان این است که تعدادی از این زنان سرپرست را که هنوز به "خودکفایی" نرسیده اند را تحت پوشش دارد و طبق قانون مقرر آنان باید معادل ۴۰ درصد حداقل دستمزد باشد که معادل ۱۳۲ هزار تومان میشود اما در بیشتر موارد مبلغ پرداختی به مشمولین این قانون از نصف آن یعنی ۷۰ هزار تومان در ماه هم کمتر است. درسالنامه آماری شهرداری تهران حداقل هزینه ماهانه خانوارهای ساکن تهران رقم یک میلیون و ۲۱۶ هزار تومان است و آنگاه میتوان فهمید، ۷۰ هزارتومانی که به خانواده های تحت پوشش کمیته امداد و احيانا بهزیستی پرداخت میشود حتی به اندازه هزینه دو روز این خانواده ها هم کفاف نمیدهد. این اندازه وقاحت را فقط در دم و دستگاه کثیف حکومت اسلامی میتوانید سراغ بگیرید.

به گفته ی براتی مدیر کل امور زنان سازمان بهزیستی سن زنان سرپرست تا سالهای ۱۳۸۸ به ۲۸ سال کاهش یافته است. با توجه به آمار بالای طلاق درسالهای اخیر، خیل میلیونی زنانی را شاهد خواهیم بود که بدون داشتن هیچگونه حمایت اجتماعی با داشتن فرزند و احيانا سالمندانی بیمار به ورطه ی فقر و فلاکت بیشترکشانده میشوند. روشن است زنانی که در سنین پائین و اکثر آنها بدون داشتن هر گونه مهارت و تخصص کاری، عنوان سرپرست را بدوش میکشند

و با وجود هزینه های کمرشکن اجاره خانه و هزینه های غذا، پوشاک، بهداشت، درمان، تحصیل و ... کمترین حمایتی از سوی جامعه دریافت نمی کنند، تحت اسفناك ترین شرایط روزگار میگذرانند. کودکان این مادران نیز شرایط مصیبت باری دارند. اکثر این مادران قادر به تامین هزینه های مهدکودک نیستند و کودکان آنها تمام ساعاتی که مادرشان به سرکار میرود در خانه تنها هستند و اغلب آنها از سنین خیلی پایین به خیل عظیم کودکان کار میپیوندند.

تامین همه ی هزینه های زندگی از یک طرف و روبرو شدن با مناسبات خشن و پوسیده ی ضد زنی که مدام به جامعه پمپاژ میشود از طرف دیگر جهنم را برای زنان سرپرست خانواده تکمیل میکند. برای اجاره کردن مسکن نه تنها باید به فکر تامین هزینه ی آن بود بلکه باید مردی تحت عنوان عمو، دایی و ... به عنوان ضامن وجود داشته باشد تا به این زنان خانه ای را اجاره دهند! و این اوج تحقیری است که به این زنان تحمیل میشود.

در واقع در جمهوری اسلامی لقب "سرپرست" بودن کلاه گشادی است که حکومت بر سر این زنان میگذارد. حکومت اسلامی با طرح این عنوان در خانواده وظایف خودش را به عنوان حکومت بر دوش یک نفر می اندازد که تمام حقوق و امکانات او را به غارت برده است. و با حقه بازی از تعلق

عاطفی انسانها نسبت به یکدیگر سوء استفاده کرده و تامین زندگی کودکان، سالمندان و بیماران را بر دوش "سرپرست" میاندازد. و همه این مصیبتهایی که بر دوش این زنان تحت عنوان سرپرست سنگینی میکند در واقع وظایف حکومتی است که بر ثروت جامعه چمبره زده است و مثل زالو خون مردم را میمکد.

مادران تنها مسئول دادن محبت شان به فرزندانشان هستند و در واقع جامعه باید بار سرپرستی کودکان را بر عهده داشته باشد. همه کودکان باید از يك زندگی شاد و مرفه و برابر برخوردار باشند مهد کودک های رایگان و طب رایگان و آموزش و پرورش رایگان و داشتن مسکن مناسب از اصلی ترین خواسته های مادران مجرد میباشد. نباید بار سنگین حمایت از سالمندان و بیماران بر دوش يك نفر از خانواده به عنوان سرپرست انداخته شود.

سالمندان هم همانند تمامی انسانها حق داشتن يك زندگی در شان انسان را دارند و مشکلات كهولت سنشان نباید بر دوش يك نفر تحت عنوان سرپرست انداخته شود. تامین تمامی مایحتاج زندگی هر انسانی در این جامعه وظیفه حکومتی است که سکان جامعه را در دست دارد. تمامی این خواسته ها بر پرچم مبارزاتی مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی تحت عنوان يك "دنیای بهتر" نقش بسته است.\*

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انتر ناسیونال:

# زنده باد سوسیالیسم!

## اوباشان قاتل اسلامی از چه میترسند؟



مهن آبراهیمی

اسلامی، پاسداران اسلامی سرمایه کیفور شدند.

دو جوانی که برای معالجه مادر بیمارشان ۷۰ هزار تومان "دزدی" کرده بودند با سرعت عمل اسلامی نمایندگان خدا در زمین و خادمین سرمایه اعدام شدند. و فراموش نکنید که آمرین این جنایت همان آیت الله های میلیاردر هستند که هر قلم دزدیشان کمتر از ۷۰ میلیارد تومان نیست! تف به شما و شرع اسلامیتان. تف به شما احکام قرآنیان ...

### شهادتی در نقش منتقد!

در حالیکه حکومت اسلامی خون میریزد، در پای صحنه های غم انگیز و نفرت انگیز اعدام، در میان وجد سران حکومت، "منتقدین" درون حکومتی، همانهاییکه خود یک پای اصلی توحش اسلامی سرمایه هستند، در باره رابطه دقت و سرعت در دستگاه قضایی قلمفرسایی میکنند؛ میگویند مسئله این است که این وسط دقت قربانی سرعت شده است!

در حالیکه حکومت اسلامی خون میپاشد، مفسرین و ژورنالیستهای شارلاتان طیف ملی- اسلامی (همانهایی که خود زمانی اعدام میکردند و الان مغضوب شده اند و امیدي به بازگشت بر سر سفره چپاول اسلامی دارند) در باره کمبود اطلاع رسانی و توجیه اعدام و خطرات سیاسی اش به نظام آسیب شناسی میکنند!

در حالیکه حکومت اسلامی آدم میکشد، حتی در میان اپوزیسیون خارج از حکومت، کم نیستند کسانی که اسم ژورنالیست و مفسر و وکیل طرفدار حقوق بشر را یدک میکشند و از عدم تناسب جرم با حکم صحبت میکنند! یعنی آنها

مشکلی با نفس اعدام حکومت اسلامی ندارند. به زعم اینها در همین حکومت جوانانی مستحق اعدامند اگر این وکلای طرفدار اعدام، تناسب حکم با جرم را تایید کنند!

در حالیکه حکومت اسلامی خون میریزد، بی بی سی در نقش کارشناس خیر برای نظام ظاهر میشود. فقط به چند فراز از افاضات کارشناسانه بی بی سی در باره این جنایت توجه کنید:

"حکومت ایران در مجازات علنی آنهایی که وجهه اش را به عنوان حافظان جان و مال و ناموس مردم خدشه دار کرده اند درنگ نکرده است." (واقعاً؟ مساله "حکومت ایران" وجهه اش به عنوان حافظ جان مردم است؟)

"بعضی از کارشناسانی که با واقعیت اجتماعی ایران سر و کار دارند اضافه می کنند که اعدام در ملاء عام یا گرداندن ارذل و اوباش در خیابان کمکی به کاهش جرم نمی کند." (واقعاً؟ آیا این جوانانی که قربانی فقر و تباهی روحی و احساسی زیر سلطه حکومت اسلامی هستند اوباشند؟ آیا مساله حکومت اسلامی کاهش جرم است؟ آیا اوباشان واقعی همان آیت الله ها و ژورنالیستهای بیشتری که در به قدرت رساندن همینها نقش جدی داشتند نیستند؟)

"اما طرفداران اعدام می گویند که این گونه مجازات ها اثر بازدارنده دارد و برای آنهایی که سودای ارتکاب جرم و جنایت را در سر دارند، درس عبرت می شود." (طرفداران اعدام؟ منظور دار و دسته های اسلامی سر به حکومتند؟ منظور ملی- اسلامیهایی که خود زمانی اعدام میکردند، است؟ آیا بی بی سی جنبش وسیع علیه اعدام در ایران را مانیتور میکند؟ "سودای" جرم و جنایت؟ کسی که به خاطر

درمان قلب مادرش دنبال ۷۰ هزار تومان بوده است "سودای" جنایت دارد؟ تف به شما ژورنالیستها نان به نرخ روز خور فاسد.)

"آیات این که مجازات اعدام یا اعدام در ملاء عام از جرم و جنایت در ایران پیشگیری کرده کار دشواری است، اما اینکه ثابت شود بدون این مجازات ها جرم و جنایت کمتر می شود نیز به مراتب دشوار تر است." (آیا همین کافی نیست که از حکام دار و شکنجه درخواست کنیم که قدر بی بی سی را بدانند؟ اینکه زمانی بی بی سی در به قدرت رساندن آیت الله ها سهم جانانه ایفا کرده بود و امروز باید آیت الله ها بی بی سی را به مقام آیت الهی برسانند؟)

آیا روشن نیست که این افاضات سانتیمانتال کارشناسانه حقوقی از سر حکومت اسلامی زیادی است؟ تو گویی مسئله جمهوری اسلامی - که خود یک جنایت مجسم است - اصولاً مقابله با جرم و جنایت است؟ تو گویی مشکل جانین اسلامی این است که حس تناسب در باره رابطه جرم و مجازات ندارند!

اگر کسی از عمق توحشی که در سالها و ماهها و روزهای گذشته و یکشنبه همین هفته در تهران رخ داد خبر نداشته باشد و تصویرش را از همین طیف مفسرین و ژورنالیستها و کارشناسان بی عاطفه و شیاد و نان به نرخ روز بگیرد، قاعدتاً باید به این نتیجه برسد که ما با یک جامعه ای با سیستم قضایی سر و ته دار روبرو هستیم که در آن بعد از طی سالها پروسه قضایی و قانونی و حضو هیات منصفه و غیره نهایتاً دو جوان اعدام شده اند و الان متخصصین حقوق بشر و وکلا و صاحب نظران جرم شناسی دارند در باره شکل درست مقابل

با جرم و تامین امنیت شهروندان باهم بحث میکنند! (از این بگذریم که حتی در يك جامعه با سیستم قضایی مدرن هم اعدام خودش يك جنایت است)

اجازه بدهید صریحاً بگویم که این طیف که بخشا عنوان اپوزیسیون را یدک میکشند شریک جرم جنایات حکومت اسلامی هستند. همین و بس.

### مساله تماماً سیاسی است!

"امنیت مردم از نان شب هم واجبتر است." این را قاضی القضاة خونریز حکومت اسلامی، همان آیت الهی که دو جوان را محارب و مفسد فی الارض اعلام کرد و حکم به ریختن خونشان داد گفته است.

مهم نیست او چه گفته است. مهم این است که مردم چه گونه این افاضات را میخوانند و تفسیر میکنند. آیا واقعاً برای توده وسیع مردم روشن نیست که محتوای این اظهار آخوند هفت خط اسلامی این است که امنیت خودشان از نان شب هم واجب تر است؟

آری، مساله تماماً سیاسی است. حکومت اسلامی برای حفظ امنیت خودش به تقلا افتاده است. حکومت اسلامی برای ادامه امنیت خود به سلب امنیت از مردم نیاز دارد. حکومت اسلامی برای بقای خودش باید مردم را نابود کند. حکومت اسلامی از وحشت نابودی خودش باید مردم را وحشت زده کند. حکومت اسلامی برای برپا نگه داشتن خیمه اسلام باید جوانان را به خاک بیافکند. حکومت اسلامی همین حالا به قربانی نیاز دارد و باید قربانی تولید کند. و ظاهراً آن ویدیو کلیپ به اندازه

## جامعه ایران از حیثیت و انسانیت خود دفاع میکند!



تظاهرات صدها نفره مردم در سنندج و جلوگیری از اعدام یک جوان، جنبش گسترده علیه اعدام زانیار و لقمان در سراسر جهان، مخالفت خانواده مقتول در بوشهر و ممانعت از اجرای حکم اعدام یک محکوم به اعدام، جرقه های جنبشی عظیم و انسانی علیه اعدامها در ایران است.

### مردم آزاده ایران!

شب گذشته حدود چهار صد نفر از مردم سنندج که از احتمال اجرای حکم یک جوان به اسم عمر شهبازی در زندان مرکزی سنندج خیردار شدند، بیدار مانده و در مقابل در زندان تجمع کردند و گفتند دیگر نمیگذاریم مشتی جلا و قاتل اسلامی با ریختن خون جوانان برای خود عمر بخرند. دیگر دوران اعدامهای دسته جمعی و اعدام جوانان در خلوت و ایجاد رعب و وحشت اسلامی گذشته است. دیگر جانمان به لب رسیده است.

مزدوران حکومت اسلامی "دادستان و قاضی و مامور اجرای احکام" و همه ارادل و اوباش حکومتی دیدند که مردم خشمگین با گاز اشک آور و تهدید و چوب و چماق پراکنده نمیشوند و همین باعث شد حکم اعدام اجرا نشود و فعلا حکومت اعلام کرد یک ماه اجرای حکم عمر شهبازی را عقب می اندازد.

این یک واقعه مهم در سیاست ایران است. یک حکومت جانی که میلیونها نفر مردم را به گروگان گرفته و با نمایش اعدام در خیابانها نفس ها را در سینه حبس کرده و از این طریق باج میگیرد و می چاید، دید که دیگر مردم کوتاه نمی آیند. دید که چماق و چوب و

گاز اشک آور نیز بی فایده است و زنان و مردان آزاده می جنگند و میگویند دیگر بس است.

پیام مردم سنندج به همه مردم ایران این بود، اگر در شهر شما نیز جار زدند که میخواهند کسی را بکشند، تجمع کنید و نگذارید قتل و خونریزی که آب حیات برای ضحاک زمانه است، انجام شود. اعتراض کنید و نشان دهید که دیگر دوره تکیه دادن جلدان به چوبه دار گذشته است.

این اعتراض بسیار مهم است و باید در دنیا خبر آنرا جار زد. باید به گوش دولتها و نهادهای بین المللی رساند که اگر شما صبر و مدارا نشان میدهید و اگر در نهایت نامه ای نوشته و ابراز نگرانی میکنید و دنبال کارهای مهمتر! میروید، مردم ایران با چنگ و دندان علیه این جانپان می جنگند. چرا که اگر صحبت از گرانی و فقر و بیکاری و نبود آزادی بیان است، اگر چوبه های دار را بر نچینیم، این مبارزات نیز گسترده نمیشود و رعب و وحشت از چوبه دار بسیاری را محافظه کار و ساکت میکند.

### حکومتی که اعدام برایش مقدس و نجات بخش است!

حکومت اسلامی ایران همین امروز چهارشنبه چهار نفر را اعدام کرد. در قزوین سه نفر و در شهر کوچک خرم دره یک نفر اعدام شدند. تصمیم قوه قضائیه اشان اینست که در همه جا در هر شهر و روستایی تعدادی را جلوی چشم مردم و یا در زندانها اعدام کنند و خبر را جار بزنند تا به همه مردم ایران، به همه جوانان و همه معترضین و مخالفین نشان دهند که "مملکت صاحب دارد!" صاحب

مربیان متشنج شد. (امام جمعه شهر شاکلی زانیار و لقمان است) سپس یکی از بستگان امام جمعه اعلام کرد که زانیار و لقمان در سلول عمومی هستند و حتی صحبت از آزادی آنها در میان است.

در سراسر جهان سه هفته است که مردم در شهرهای مختلف در دنیا به خیابان رفته و خواهان لغو حکم اعدام زانیار و لقمان و همه اعدامها هستند. شنبه و یکشنبه این هفته ۱۹ و ۲۰ ژانویه در ادامه کمپین نجات این دو جوان، مخالفین اعدام در شهرهای پاریس و دورتموند، لندن و واشنگتن و لس آنجلس و ... به خیابان رفته و نشان دادند که به اعدامها در ایران معترضند.

این مملکت مشتی دزد و قاتل اسلامی هستند. این دستگاه مافیای به اسم خدا و الله در روز روشن اعدام میکنند و سپس عریضه میکشند که این سرنوشت همه شما است. شمایی که اگر بگویند که گرانی و بیکاری کمر ما را شکست و اگر برای سرنگون کردن این دستگاه جنایت و رذالت اسلامی کاری بکنید، جواب نمایندگان خدا بر روی زمین این است که میبینید.

همزمان با اعتراض مهم مردم شهر سنندج، ایران در این روزها در تب و تاب اعتراض به حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی بود. در شهر مریوان مردم دو روز مغازه ها را بسته و با یک اعتصاب اختطاری به رژیم اعلام کردند که اگر جرات کند، چوبه دار برای زانیار و لقمان برپا کند، چه بلایی بر سرش می آورند. همین روزها خبر و یا شایعه اینکه زانیار و لقمان را به سلول انفرادی برده اند باعث شد که تعداد زیادی از جوانان و مردم مریوان فوراً به منزل امام جمعه شهر رفته و شهر

### این عکس ها را نگاه کنید!

در بوشهر میخواستند با اعدام یک جوان "فعالیتها" درخشان دوره جدید خود را ادامه دهند که با اعتراض خانواده مقتول و تشکیل یک جلسه، با حضور خانواده متهم و مقتول، رضایت داده و مانع اجرای حکم اعدام شدند. این هم جواب مردم به حکومتی است که الان بیش از پیش جنایتکار بودن و استفاده از قتل و اعدام را برای ساکت کردن مردم می فهمند و می بینند.

زنده باد این خانواده!  
زنده باد جنبش و مبارزات مردم علیه مجازات اعدام!  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۳ ژانویه ۲۰۱۳

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

# اساس سوسیالیسم انسان است!

## صدها نفر مردم سنندج مانع اجرا حکم اعدام یک جوان در زندان سنندج شدند.

### سنندج قهرمان شب گذشته بیدار ماند و مانع جنایت حکومت اسلامی شد. زنده باد مردم سنندج

دیگر نمیگذاریم فرزندان ما را بکشید. این پیام اقدام جسورانه صدها نفر در مقابل زندان سنندج بود.

روز سه شنبه مقامات زندان مرکزی سنندج به خانواده عمر شهبازی خبر دادند که فرزندشان بامداد چهارشنبه اعدام میشود. خبر اعدام فوری این زندانی اسیر جلالان اسلامی در زندان سنندج از طریق خانواده اش پخش شد. اوایل بامداد امروز یعنی ۴ بهمن ماه ۱۳۹۱ تعدادی از اعضای خانواده و آشنایان فرد محکوم به اعدام و مردم کم کم در مقابل زندان مرکزی سنندج تجمع کردند.

عمر شهبازی اهل اطراف شهر دیواندره است و متهم است که یکسال پیش در یک نزاع فرد دیگری را به قتل رسانده است و از آن موقع در زندان است. حکومت اسلامی برای کشاندن موج اعدامها به شهرهای کردستان با اعدام عمر

شهبازی میخواست دور جدید جنایاتش را آغاز کند و تصور میکرد چون عمر شهبازی متهم به قتل است، میتواند راحت او را اعدام کند.

قرار بر این بود امروز صبح ساعت ۵ بامداد عمر شهبازی اعدام شود. اما خانواده او با دلهره و نگرانی در مقابل زندان جمع شدند. کم کم مردم شهر با خبر شدند و به همدیگر خبر میدادند تا جلوی زندان مرکزی سنندج تجمع کرده و مانع اجرای این حکم شوند. مردم با تجربه سنندج مردمی که بارها جان اعدامیها را نجات داده اند، بسرعت در مقابل زندان تجمع کرده و در نهایت نزدیک ساعت ۵ صبح جمعیتی حدود چهارصد نفر تجمع کردند. تیم اعدام و دادستان و قاضی و خانواده مقتول به همراه تعداد زیادی پلیس داخل زندان رفتند. همه چیز آماده بود که خون بریزند و دستهایشان را بشویند و مشغول

صبحانه خوردن شوند. این بار اما رویای جنایتشان در هم ریخت. این بار صدها نفر باهم زمزمه اعتراض سر داده و میگفتند دیگر دوران اعدامها را به پایان میرسانیم. دیگر نمیگذاریم بکشید و جنایت کنید. تجمع ادامه داشت و نیروهای پلیس زیادی که اکثرا گارد ویژه بودند دو طرف بلوار ارشاد را قرق کردند و مردم را به محاصره درآورده بودند. اعتراض مردم بالا میگرفت و خبر میآمد که هنوز بخاطر تجمع اعتراضی مردم جرات اعدام ندارند.

پلیس با تشبثات فراوان قصد مرعوب کردن مردم را داشت. ساعت هفت و نیم صبح به تجمع کنندگان دو بار وحشیانه هجوم آوردند و با باتون و گاز اشک آور و اسپری مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما مردم جسورانه مقابله میکردند و عقب نشینتند. این یک جنگ و نبرد مهم علیه اعدامها در ایران بود. چند نفر از جمله چند زن که جسورانه در صف اول بودند، مجروح شدند که تظاهر کنندگان آنها را از محل کمی دورتر بردند. اما تجمع ادامه داشت. در نهایت ساعت ۹ صبح مزدوران

حکومت اسلامی به زور میخواستند مردم را متفرق کنند که نتوانستند. بعد قول دادند که اگر معترضین فقط در داخل ماشینها بنشینند، محکوم را اعدام نمیکند. تعدادی از مردم در داخل ماشینها نشستند. ولی همچنان در مقابل زندان ماندند و منتظر پاسخ بودند. در نهایت تیم اعدام و خانواده مقتول و دادستان و قاضی به همراه تعداد زیادی ماشین پلیس از زندان خارج شدند و گاردیها نیز ناچار شدند صحنه را ترک کنند. خبر دادند که دادستان اعلام کرده است یکماه اعدام را عقب میاندازند تا خانواده محکوم بتوانند فرصت داشته باشند که از خانواده مقتول رضایت بگیرند. واقعیت اما بر کسی پوشیده نیست که آنها آماده اعدام بودند. ولی جرات اعدام کردن این فرد را بدلیل اعتراض صدها نفره و حضور مردمی خشمگین و جان به لب رسیده نداشتند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اقدام جسورانه خانواده عمر شهبازی و مردم مبارز سنندج به همه آنان درود می فرستد و حرکت

اعتراضی و متحدانه شب گذشته آنها در مقابل زندان مرکزی سنندج را ارج می نهد و از مردم مبارز شهر سنندج، شهرهای کردستان و همه جا می خواهد که برای جلو گیری از اعدام محکومین به اعدام به اعتراض و مبارزه متحدانه خود تا لغو کامل این احکام ضد بشری ادامه دهند. حکومت جهل و جنایت اسلامی بار دیگر در مقابل اقدام بوقوع و متحدانه مردم سنندج ناچار به عقب نشینی شد. جنبش علیه اعدام بار دیگر توانست مانع از خونخواری جلالان حکومت اسلامی شود. مردم آزادیخواه و انسان دوست سنندج، همچنانکه مردم مریوان با اعتصاب عمومی علیه حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی به میدان آمدند، شما نیز با این عمل جسورانه این بار با جنگیدن برای نجات جان عمر شهبازی نشان دادید که دیگر نمیگذارید جلالان بیش از این فرزندان مان را بکشند. زنده باد مردم سنندج.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۴ بهمن ۱۳۹۱ - ۲۳ ژانویه ۲۰۱۳

## شب همبستگی با زانیار و لقمان مرادی شب همبستگی با محکومین به اعدام و زندانیان سیاسی

از همه معترضین به اعدام در کشورهای مختلف دعوت میکنیم با برپایی مجامع همبستگی و میتینگ و یا جلسات سخنرانی و هر شکل ابتکاری دیگر در این برنامه سهیم و شریک شده و به محکومین به اعدام در ایران و به زانیار و لقمان نشان دهند که آنها را فراموش نکرده و برای نجات جان همه آنها تلاش میکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ ژانویه ۲۰۱۳

برگزاری شبهای همبستگی با زندانیان سیاسی و زانیار و لقمان مرادی، کمک کنند تا این جنبش اعتراضی علیه حکم اعدام دو جوان ادامه یافته و با اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران کاری کنیم که رسماً این حکم اعدام لغو شود.

ما از مردم مریوان و مردم دیگر شهرهای کردستان و ایران دعوت میکنیم که در این حرکت اعتراضی سهیم و شریک شده و بهر طریق ممکن به این حکم اعدام اعتراض کنند.

اعدام تا کنون اعتراضات بین المللی است. او خواهان ادامه دادن به اعتراضات تا لغو حکم اعدام است.

ما به این درخواست باید به اشکال کوناگون پاسخ مثبت بدهیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از همه معترضین به اعدام، از همه کسانی که تا کنون برای لغو حکم اعدام این دو جوان تلاش کرده اند، از سازمانها و نهادهای علیه اعدام دعوت میکند که با



علیه حکم اعدام خودش و لقمان مرادی ادامه دهند و به درست میگویند که دلیل عدم اجرای حکم

زانیار در سومین نامه خود از زندان رجایی شهر از همگان میخواهد که به اعتراضات خود

## قاتلین مردم ایران را از نهادهای بین المللی اخراج کنید!

شنبه در رضاییه يك نفر در خیابان اعدام شد، یکشنبه در پارک هنرمندان تهران دو جوان گریبان و وحشت زده را کشتند... حکومت جلادان اسلامی خون میریزد و با تحقیر و کشتن جوانان، میخواهد آنها را ساکت کند!

روز شنبه در رضاییه در ملا عام يك نفر را اعدام کردند. این بار از ترس تعرض مردم، در رسانه هایشان نوشتند نیروی انتظامی تمام منطقه را فرق کرده بود و حتی در پشت بام های مشرف بر محل اعدام مستقر شده بود.

در تهران دو جوان را که اسم آنها را "زورگیر" گذاشته اند، در حالیکه از وحشت اشک میریختند، با سبعیت اعدام کردند. یکی از این دو جوان، در آخرین لحظات تقاضای آب کرد و رسانه های حکومتی از اینکه در ابتدا به او آب دادند و سپس طناب "سفید" را به گردن آنها انداختند، با شوق و شمع گزارش داده اند. اما حتی همان رسانه های وابسته به حکومت و سپاه و پاسداران و جنایتکاران نیز مجبور شده اند، بنویسند که مردم از اینکه محل اجرای حکم پارک هنرمندان بود، اعتراض داشتند. یا اینکه از میان جمعیت حاضر در محل، اسم محکومین به اعدام فریاد زده میشد و خواهان عدم اجرای حکم میشدند، گزارش داده اند. سایت فارس مینویسد افراد خانواده اعدام شدگان در میان جمعیت شلوغ میگردند و با صدای بلند اعدامیان را صدا میزدند.

### جنایتکاران به وجد آمده اند!

جنایتکاران از اینکه رییس به اصطلاح قوه قضاییه اشان در یک چشم بهم زدن در رسانه ها اعلام کرد که در اعلام محاربه بودن يك فرد "سلاح سرد و گرم" فرقی ندارد و همه

محاربت و اعدام میشوند، به شوق میایند و با آب و تاب از اینکه اجازه دارند بیشتر بکشند، مینویسند: فارس نیوز: جانشین فرمانده ناجا در روز ۲۵ آذر و همزمان با دستگیری تمامی اعضای باند زورگیری در خصوص مصاحبه رییس قوه قضاییه در بحث برخورد با اشرار گفت: بنده و فرمانده ناجا بعد از مصاحبه آیتالله لاریجانی بسیار به وجد آمدیم

این پرونده باید بررسی شود چرا که شاکي خصوصی در دادگاه اعلام کرد که خواهان اعدام نیست و اینرا در رسانه های خودشان نوشتند.

حکومتی منعکس میشود. رسانه های حکومتی مصاحبه با چند نفر در محل را نشان میدهد که مردمی که در محل هستند، از اینکه باید به این نوع مسائل رسیدگی کرد و علل این جرایم را پیدا کرد، صحبت میکنند. در سایت حکومتی بازتاب از اینکه مردم میگویند دانه درشتها حتی به دادگاه برده نمیشوند و جوانان عادی فوراً به اعدام محکوم میشوند، حرف میزنند.

اعدام در ملا عام و حضور تماشاگران در محل، این بار در سایتهای اینترنتی بهانه ای شده است



Photo: Hamed Malekpour

گزارش فارس نیوز از اعدام در روز یکشنبه البته این بخش را حذف کرده و با آب و تاب از ترس و وحشت شاکي خصوصی نوشته و ادامه نداده است که این خانواده محترم و انسان دوست گفتند که ما با اعدام مخالفیم! گفتند به علل این واقعه رسیدگی کنید!

در جریان این پرونده رسانه های حکومت نوشتند هیچ و کیلی حاضر نشد از این "اشرار" دفاع کند!!

لا بد و کلا حدس میزنند که در جریان دادگاه ممکنست خودشان همراه متهم به داخل زندان برده شوند و چند سالی را در کنار دهها و کیل زندانی اسیر حکومت فاشیست های آدمخوار حاکم بر ایران شوند.

با وجود سانسور و خفقان در ایران اخبار اعتراضات مردم در همان محل اعدامها حتی از رسانه های

ما باید به این فاجعه پایان دهیم. ما باید به اعدام ها در ایران به اشکال گوناگون اعتراض کنیم.

اعدام در ملا عام امروز در تهران يك واقعه مهم است و به مباحثی در مورد فقر و نداری و خشونت در جامعه و علل این جرایم و خشونت ها دامن زده و حکومت میداند که انگشت اتهام در همه این موارد بسوی این دستگاه جنایت و رذالت اسلامی است.

### سکوت نهادهای بین المللی در مقابل موج جدید خونریزی حکومت اسلامی

نهادهای بین المللی و اتحادیه اروپا و سازمان ملل در مورد روند خطرناک اعدام دهها نفر در دو هفته اخیر در ایران اساساً سکوت کرده اند.

روی سخن ما به نهادهای بین المللی است. تا کی سکوت میکنند، تا کی شاهد این همه جنایت و اعدام و قتل جوانان در ایران هستید، تا کی در مقابل دستگیری و شکنجه فعالین سیاسی، به بند کشیدن رهبران کارگری و رهبران دانشجویی سکوت میکنند و اعلام نمیکنید که اینها جنایتکاران علیه بشریت هستند و باید از همه نهادهای بین المللی اخراج شوند.

آقای مارتین شولتز و بان کی مون و همه سران نهادهای بین المللی و همه روسای دولتها در اتحادیه اروپا و ...

جمهوری اسلامی ایران در یک هفته گذشته حداقل ده نفر را در ملا عام اعدام کرد و تعداد بیشتری را در زندانها کشت. این روند خطرناک ادامه دارد چرا که میترسند مردم گرسنه و به بند کشیده شورش کنند و شما همه میدانید که با به زیر کشیدن این حکومت معادلات در منطقه خاورمیانه عوض میشود. و دقیقاً بهمین دلیل با این لاشه گندیده و متعفن کنار می آید.

خودشان همین هفته نوشتند

که خدا گریزی و مذهب گریزی و دست کشیدن از اسلام در بین جوانان بصورت سونامی در آمده و بهمیدگر هشدار دادند و از اصلاح طلبان همیشه در صحنه و مدافع دین و حکومت اسلامی و از "روشنفکران دینی!" دعوت کردند مجدداً به صحنه آمده و فکری بحال این سونامی بکنند. لابد سروش و گنجی و شرکا کفش و کلاه کرده و برای نجات حکومت اسلامی اشان و "اصل اسلام" شروع به توجیه اسلام و جنایات اسلامی خواهند کرد.

### خانها و آقایان!

مماشات و چشم فرو بستن به این جنایات کافی است. سفارتخانه های این حکومت را ببندید و اعلام کنید که قاتلان مردم ایران را به عنوان حکومت به رسمیت نمی شناسید. این به نفع خودتان نیز هست.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه سازمانهای سیاسی، نهادهای علیه اعدام و احزاب اپوزیسیون دعوت میکنند که متحدانه به سازمانهای بین المللی و اتحادیه اروپا و سازمان ملل فشار آورده از آنها بخواهند که اعلام کنند حکومت اسلامی قاتل مردم ایران است و روابط دیپلماتیک با این حکومت باید فوراً قطع شود. این امکان پذیر است اگر همه وارد این صحنه شوند و اگر همه به این موج وحشتناک اعدامها و اعدام در ملا عام اعتراض کنند و بگویند دیگر بس است.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۰ ژانویه ۲۰۱۳

Mina Ahadi  
International Committee  
against Execution  
International Committee  
against Stoning  
minnaahadi@gmail.com  
Tel: 0049 (0) 1775692413  
http://  
notonemoreexecution.org  
http://  
stopstonningnow.com/  
wpress/

# نامه سرگشاده مینا احدی به میثائیل اشمیت سالمون سخنگوی سازمان جردانو برونو در آلمان، در مورد یک وبلاگ نویس ایرانی منتقد اسلام که با خطر روبرو است



دلیل در ایران اعدام شده اند. با تشکر مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم در آلمان ۲۳ ژانویه ۲۰۱۳

**Mina Ahadi**  
International Committee  
against Execution  
International Committee  
against Stoning  
minnaahadi@gmail.com  
Tel: 0049 (0) 1775692413  
http://  
notonemoreexecution.org  
http://  
stopstoningnow.com/  
wpress/

ولی جنبش اکس مسلم در ایران در بین دانشجویان و جوانان را می شناخت.

من یکبار دیگر از نهاد جردانو برونو و همه آنتیست ها در آلمان دعوت میکنم کمک کنند سیامک مهر (محمد رضا پورشجری) منتقد اسلام از زندان آزاد شود. طبعاً تو خوب میدانی تعداد زیادی در زندانهای ایران به دلیل نقد مذهب و اسلام به اعدام محکوم شده اند و صدها نفر بهمین

مرخصی و یا درمان مناسب را ندارد. رژیم اسلامی میخواهد او را بکشد و یا زجرش کند. و از این طریق به دیگران علامت بدهد که نقد اسلام با مرگ همراه است. همانطور که گفتیم جنبش فرار از اسلام و نقد مذهب در بین جوانان ایرانی بسیار گسترده است. حتما اسم شاهین نجفی هنرمند جوان ایرانی را که در آلمان زندگی میکند و تهدید به مرگ شده است را شنیده ای، این موقعیت منتقدین اسلام در ایران و حتی در خارج کشور است.

در دنیای مجازی در بین جوانان ایرانی چندین صفحه اینترنتی و فیس بوک در نقد مذهب اسلام وجود دارد و جهت اطلاع تو یک سایت اینترنتی بسیار فعال به اسم "نه من مسلمان نیستم" که امروز نگاه کردم ۷۲۸۶ نفر عضو دارد.

میثائیل گرامی! میخواهم به تو بگویم جنبش "اکس مسلم" در ایران بسیار گسترده و شناخته شده است. هفته گذشته یک خانم ایرانی را که تازه از ایران آمده ملاقات کردم و او از اینکه در شهر محل زندگیش پلیس حکومت اسلامی استفاده از یک نوع خوشبوکننده ماشین را قدغن کرده که علامت آن "اکس" است. او میگفت پلیس فکر میکنند مردم از این طریق بهمیدگر علامت میدهند که اکس مسلم هستند. این خانم از سازمان اکس مسلم در آلمان خبری نداشت

او از ما خواسته کمک کنیم پدرش نجات یابد. سیامک مهر را بدلیل نوشته های از این نوع که در وبلاگش مینوشت، گرفته اند. پس از سه دهه تجربه حکومت اسلام و حاکمیت و سلطه مطلق مافیای روحانیت شیعه بر ایران، به روشنی میتوان نشان داد که اسلام در یک کلام یعنی دزدی، یعنی تبهکاری و جنایت مداوم، اسلام آموزه ای است اهریمنی برای نفاق افکنی و ویرانگری. سیامک مهر ۱۸ شهریور ۱۳۸۹

سیامک را گرفتند و چنان شکنجه اش کردند که اکنون با خطر ایست قلبی و مرگ ناشی از این رفتار وحشیانه دست و پنجه نرم میکند. او را در یک زندان بسیار مخوف در کنار زندانیانی محبوس کرده اند که خطرناک تلقی میشوند و سیامک از ترس قتل در زندان توسط هم سلولی های خود، به تحریک حکومت، از همه ما درخواست کرده برای نجات او بکوشیم. بنا به اخباری که به دست ما رسیده، سیامک الان به سختی راه می رود و دکتر زندان نیز معتقد است او باید معالجات جدیتری را در دستور بگذارد و حکومت اسلامی ایران در مواردی زندانیان را برای معالجه به مرخصی میفرستد و سپس بعد از معالجه آنها را به زندان باز میگرداند. خانواده سیامک خواهان مرخصی برای او هستند ولی او چون منتقد سریع اللهجه اسلام بوده شانس هیچ

میثائیل گرامی! میدانم که روزانه با صدها موضوع روبرو هستی و میدانم که سرت خیلی شلوغ است. اما مطمئن هستم که اخباری که در این نامه برای تو و سازمان "جردانو برونو" مینویسم برای همه شما جالب و مهم است.

هدف اول من جلب توجه تو و سازمان جردانو و برونو و از این طریق جلب توجه جامعه آلمان به جنبش "اکس مسلم" در ایران و همچنین جلب توجه به موقعیت خطرناک وبلاگ نویسان و منتقدین اسلام و اکس مسلم ها در ایران است. جهت اطلاع تو جنبش اکس مسلم امروز در ایران یک جنبش گسترده و اجتماعی است. در ابتدا یک نقل قول می آورم از سایت "بازتاب" سایت وابسته به حکومت اسلامی که روز ۱۹ ژانویه ۲۰۱۳ نوشت "گریز از اسلام در ایران بصورت یک سونامی در آمده است" و نویسنده سعی کرده این سونامی را بررسی کرده و راه حل نشان دهد. در این مورد بعداً بیشتر خواهم نوشت. در این نامه اما ابتدا از یک وبلاگ نویس ۵۱ ساله ایرانی مینویسم که با نام مستعار "سیامک مهر" می نوشت و اکنون در زندانی در کرج محبوس است اسم واقعی او محمد رضا پورشجری است.

فرزند او میترا پورشجری اخیراً از ترس دستگیری و شکنجه و یا اعدام به خارج پناهنده شده و



## رضا پهلوی و معضل احیای سلطنت!

از صفحه ۱

بشوم، رئیس حزب دمکرات ایرانم که در واشنگتن تشکیل شده و شروع کنند به عضوگیری، بنظر من بعد از مدتی وضعش بد نمیشود. ولی اگر بگویم من رضا پهلوی ام، به آن سیستم انتقادی ندارم و خودم میخواهم شاه شوم، این يك وزنه گنده است به دست و پای جنبش محافظه کاری غربی و این يك نقطه ضعفشان است. رضا پهلوی به عنوان پسر شاه سابق که میخواهد خودش هم شاه بشود، نقطه ضعف اینها است نه نقطه قدرشان...

تصور من این است که رضا پهلوی و مشاورین اش بارها این عبارات منصور حکمت را خوانده و در آن تعمق کرده اند. سعی کرده اند از تیزبینی منصور حکمت بهره ببرند و معضل و مشکلی که در عبارات فوق به آن اشاره میکند، یعنی "سلطنت بعنوان وزنه ای بر دست و پای جنبش محافظه کار طرفدار غرب" را دور بزنند. آنها خیلی ساده، با قدری ریاکاری مولوکانه، بالاخره شاه شاه است. فکر میکنند مردم رعیتند. حتی اگر منصور حکمت را بخواند بشیوه شاهانه آنرا می فهمد!

رضا پهلوی اینقدر فهمیده که نباید خیلی خودش را به رضا شاه و محمدرضا شاه و ساواک و "ماکسیم" (نوعی مسلسل که زمانی لقب "رضا خان" در "فوج قزاق" بود) و تیرباران زندانیان سیاسی در تپه های پشت زندان اوین و اینطور چیزها وصل کند. خیلی به شاهزاده بودن خودش اشاره نمی کند و حتی زیر لبی اشاراتی انتقادی به دوره پدرانش دارد. در برابر این سوال که آیا میخواهید شاه بشوید، او میکوشد هدف سیاسی خود را چیزی جز "احیای سلطنت" در

ایران تعریف کند. سعی میکند خود را بعنوان ناجی ملت که میخواهد بالاخره دمکراسی به ایران بیاورد، عرضه کند. او میگوید قصد ندارد که شاه شود، اما بلافاصله اضافه میکند که هر نقشی مردم به او بدهند "با کمال میل" ایفاء میکنند. یعنی اگر مردم بخواهند شاه هم میشود!

رضا پهلوی متوجه نیست که این جواب های او با آن ریاکاری زندانه شرقی تا چه حد خنده دار و سرگرم کننده است. آنها در این سال ۲۰۱۳ که مردم انقلابات مصر و تونس و جنبش ۹۹ درصدی را دیده اند و نه در دهات عصر قاجار که در "دهکده جهانی" زندگی میکنند و از "ونکوور تا مریوان" بهم وصلند. اما ایشان به انحاء مختلف همان حرفها را تکرار میکنند به حدی که گاه انسان به رقت می افتد. حتی کل برنامه سیاسی اش را با قدری لطایف الحیل پیش پا افتاده بر آن استوار کرده و در میان حیرت مخاطب امیدوار است که کل مردم و اپوزیسیون سرگونی طلب را هم حول پرچم خود متحد کند!

برای مثال، ایشان میگویند هیچ خط و مرز ایدئولوژیکی با کسان دیگر ندارد. اما بلافاصله تاکید میکند که خواهان يك راه حل دمکراتیک برای ایران است. ابتدا به روی خود نمی آورد که دمکراسی طبق تعریف متضمن حاکمیت سرمایه و سود و استثمار و بهره کشی اقلیت مفتخور يك درصدی از اکثریت عظیم جامعه است. این اگر روزگاری تلقی مارکسیستی بود امروز تجربه روزمره مردم است. حتی همین دیروز برنده جایزه نوبل اقتصاد آقایان هم هشدار داد که در آمریکا يك درصد جمعیت صاحب ۲۵ درصد ثروت جامعه

است. لذا سوال این است که در مقابل مردمی که میخواهند حاکمیت يك درصدی ها و بردگی مزدی و استثمار را براندازند آیا شاهزاده دمکرات ما از همین تعهدات لفظی محدود به آزادی های سیاسی و لغو اعدام و غیره منصرف نخواهد شد و به همان ماکسیم و اوین و شنل سلطنتی تحت نام "نظام دمکراتیک" متوسل نخواهد شد؟

یا در برنامه سیاسی ایشان که حول "انتخابات آزاد" متمرکز شده است ما يك "انتخابات آزاد" هم ویژه "تعیین نظام آتی" داریم. خیلی لطف دارند. نظام آتی هم ظاهرا یا "سلطنت مشروطه" است و یا "جمهوری پارلمانی". ولی از کی تا بحال نظام آتی صرفا محدود شد به اشکال حکومتی بورژواها؟ مگر قرار است مردم دوباره حب چیزی مثل "فراندم جمهوری اسلامی آری یا نه" را قورت دهند؟ با قدری تفاوت البته. حالا اینبار بشود "نظام آتی: سلطنت یا جمهوری پارلمانی؟! اگر مردم بخواهند حاکمیت مستقیم و بلافصل شوراها و "التحریر" ها و ارگانهای اعمال اراده خودشان را برقرار کنند که از هر دمکراتیک ترین حکومت های موجود هم به آزادی های سیاسی و حقوق مدنی و انتخاب آزادانه خود انسانها متعهد تر است، آنوقت کلاهان با تاج جناب شاهزاده توی هم نخواهد رفت؟ تازه اگر مردم بخواهند در تعیین این نظام آتی از شکل صرف سیاسی آن فراتر بروند و تصمیم بگیرند که در نظام آتی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید اجتماعی و استثمار ممنوع است، تکلیف چیست؟

و بالاخره در مورد "انتخابات آزاد" هم آقای پهلوی تلاش زیادی به خرج میدهد تا پنهان کند که متولی این انتخابات آزاد کیست و تحت چه شرایطی برگزار میشود. مرتب به مقرراتی که نهاد بین المجالس تعیین کرده

اشاره میکند. اما با کمی دقت متوجه میشوید که پروژه "انتخابات آزاد" ایشان حداکثر سناریویی برای تکرار همان بلایی است که در مصر بر سر انقلاب مردم آوردند. یعنی ارتش و کل سیستم و دیکتاتوری طبقه سرمایه دار دست نخورده باقی ماند و مردم را دنبال نخود سیاه انتخاب مجلس موسسان و پارلمان فرستادند و دیدیم که عملا دست مردم و انقلاب شان به جایی نرسیده است. اینجا هم قرار است با فرض نبود جمهوری اسلامی ارتش و قوای مسلح و دستگاه دولتی حتی الامکان دست نخورده باقی بماند و آقای رضا پهلوی و شورای ملی اش با حمایت غرب بیاید و نظم و منفعت بورژوازی را تحت نام "انتخابات آزاد" حفظ کند. البته

که برای چنین "انتخابات آزاد"ی شنل سلطنت خیلی ضروری است. آنها در وانفاسی که مردم عباسی ملا را به آتش کشیده باشند. باید پذیرفت، همانطور هم که منصور حکمت پیش بینی کرده بود رضا پهلوی در تلاش هایش برای احیاء سلطنت با مشکلات جدی روبرو است. هر اندازه هم که او سعی کند آن "وزنه سنگین" را در هاله "انتخابات آزاد" و این چیزها بپیچاند تا سبک تر شود، مضحک تر بنظر خواهد آمد. با این کار البته بعید است سلطنت را نجات دهد اما قطعا کمک میکند تا مردم بهتر بفهمند پشت "انتخابات آزاد" بورژواها چه دیکتاتوری و سرکوبی خوابیده است. (۲۵ ژانویه ۲۰۱۳)

### علیه اعدام

مردم!

به اعدام نه بگویید. به اعدام کنندگان نه بگویید. جلوی کشتار دولتی را بگیرید. ارادتی را که در کنار چوبه های دار عریده کشی میکنند طرد کنید! همچون مردم سیرجان چوبه های دار را باید بر سرشان خراب کرد! اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام ابزار قدرتمایی حکومت جنایتکاران سرمایه دار علیه خود شماست. ندیده ایم که هروقت میخواهند اعتراض و مبارزه کارگران و زنان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان را عقب برانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را گسترش میدهند؟

میگویند اعدام برای نجات جامعه از قتل و جنایت ضروری است. این يك دروغ بزرگ است. کدام جامعه تاکنون با اعدام و انتقام، از جنایت رها شده است؟ ریشه همه جنایتها خود حاکمیت ناعادلانه يك دسته مفتخور و دزد بر اکثریت جامعه است. ریشه جرم و جنایت و قتل حاکم شدن يك مشت قاتل و دزد بر اکثریت جامعه است. همین ریشه را باید خشکاند. برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

## سندیکای شرکت واحد یک دستاورد کارگری است



شہلا دانشفر

در حاشیه اطلاعیه سندیکای شرکت واحد و برکناری اسانلو اخیراً اطلاعیه غیر مترقبه ای بعنوان اطلاعیه سندیکای شرکت واحد مبنی بر اخراج منصور اسانلو از سندیکا خطاب به "فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل" و خواست قطع همه ارتباطات، همکاری ها و حمایتها از وی منتشر شده که همه را شگفت زده کرده است.

در این اطلاعیه سندیکای شرکت واحد که تشکلی معتبر و شناخته شده در سطح جهانی است، ناگهان حکم به اخراج یکی از رهبران خود از سندیکا را داده و همگان را به پرهیز از هرگونه تماس و همکاری با وی فراخوانده است. در همین سطح از اطلاعاتی که تاکنون از این اتفاق انتشار یافته است و نیز قبل از اینکه بحث بر سر این باشد که موضوع بر سر چیست و مشکل چه بوده است، نفس بدعت گذاشتن چنین شکلی از کار از سوی یک تشکل کارگری، نادرست و غیر قابل قبول است.

یک تشکل کارگری برای برکناری نمایندگان منتخب و سخنگویانش مکانیزمهای سالم و سیاسی خود را باید داشته باشد. سندیکای شرکت واحد به جای اینکه بنشیند و چنین حکمی را خطاب به اتحادیه های کارگری صادر کند، میتواندست با مکانیزمی دمکراتیک، مدرن و سیاسی برای تعیین رهبری جدیدی برای سندیکا رای گیری کند و

آنوقت نتیجه را اعلام میداشت. بدین صورت و بدنبال چنین مکانیزمی سندیکا به عنوان یک تشکل معتبر کارگری میتواندست خطاب به نهادها و سازمانهای کارگری در سطح بین المللی، نماینده و سخنگوی جدید خود را به جهانیان معرفی کند. بنابراین همه سخن من با کارگران سندیکای واحد اینست که اگر شما به هر دلیلی اختلافی با پیدا کرده اید، اگر به گفته اطلاعیه ای که صادر شده است، منصور اسانلو خطایی کرده است، به جای چنین جنجالی میشد فوراً جلسه گرفت، انتخابات کرد و انتخاب رئیس هیات مدیره جدیدی را در دستور گذاشت. تصمیم جمعی گرفت و در صورت انتخاب فرد دیگری در این پست، دیگران را نیز از این تغییر و تحولات مطلع ساخت.

میخواهم بگویم که انتظار از سندیکای واحد بطور واقعی اینست که مبشر فرهنگ مدرن و انسانی در جامعه باشد. اطلاعیه منتشر شده به نام سندیکا نه تنها چنین فرهنگی را نمایندگی نمیکند، بلکه در عمل به رژیم و جریانات راست فرصت میدهد که میداندار شوند و فرصت را برای حمله به خود سندیکا، این دستاورد مهم کارگری عنیمت بشمرند.

اطلاعیه سندیکای واحد بطور ناگهانی و بدون برقراری یک گفتمان روشن در مورد کل موضوع در سطح علنی، با اعلام اینکه منصور اسانلو تخلف کرده است، انتظار دارد که کارگران و اتحادیه های کارگری جهانی که تا دیروز برای رهایی وی از زندان بیبانه دادند و اعتراض داشتند، چشمشان را ببندند و حکم آنها را بپذیرند. روشن است که چنین روشهایی، روش ما کارگران و ما مردم نیست. این روشهایی است که بیشتر به حکومت خفقان و سرکوب کمک

میکند و بیش از هر بخشی از جامعه خسارتش را ما می بینیم. بنابراین همه تاکید من اینجاست که سندیکای شرکت واحد به یمن سالها مبارزاتش یک نهاد کارگری به رسمیت شناخته در سطح بین المللی است. همواره مورد بیشترین حمایت جهانی قرار گرفته است. این سندیکا نمیتواند بی توجه به این موقعیت و به استنادهای مورد انتظار به چنین شیوه های نسنجیده و غیر اجتماعی عمل کند.

اینها موازین و سنتهای پایه ای جنبش کارگری است. زیر پا گذاشتن چنین سنت هایی قبل از هر چیز به اعتبار سندیکا لطمه میزند و بیش از پیش موجب خرسندی رژیم اسلامی خواهد بود. نباید اجازه داد.

نکته دوم و عجیب تر در اطلاعیه منتشر شده از سوی سندیکای واحد محروم کردن منصور اسانلو از هر نوع حمایت و پشتیبانی است. منصور اسانلو حتی اگر خطایی کرده باشد، بخاطر اینکه همزم کارگران سندیکای واحد برای متشکل کردن کارگران

بوده است، همراه با آنان از حق تشکل و حق کارگران دفاع کرده است، تحمل سالها شکنجه و حبس و زندان را به جان خریده است، نباید مورد چنین خشم و غضبی قرار گیرد و به پاس همین مبارزاتش باید مورد بیشترین حمایت ما باشد.

بالاخره اینکه بطور واقعی و همانطور که جلوتر نیز اشاره کردم، سندیکای شرکت واحد دستاورد جنبش کارگری در ایران است. حاصل مبارزات جانانه هزاران کارگر شرکت واحد و اعتراضات با شکوه این کارگران در سال ۸۴ است. وارد کردن هرگونه خدشه ای در این کارنامه مستقیماً به نفع جمهوری اسلامی است و باید از آن پرهیز کرد.

رژیم اسلامی تلاش بسیاری کرد که از مبارزات کارگران در سال ۸۴ که نقطه عطفی در اوضاع سیاسی ایران و مبارزات کارگران بود، انتقام بگیرد. دلیلش هم این بود که در آن اعتراضات شکست سیاسی سختی خورده بود. از همین رو جمهوری اسلامی از سال ۸۴ تا

کنون رهبران این تشکل را به اشکال مختلف زیر فشار گذاشته است، از کار بیکارشان کرده است. در تنگنای اقتصادی قرارشان داده است، مرتب و مرتب مورد پیگرد و احضارشان قرار داده است، اما کارگران ایستاده اند و اعلام کرده اند که داشتن سندیکا حق مسلمشان است. گفته اند که مبارزه برای یک زندگی انسانی حق مسلمشان است. یکی از این رهبران منصور اسانلو بوده است. یکی دیگرشان رضا شهابی است که ۴ سال حکم زندان دارد. دیگر فعالین و رهبران این تشکل نیز از این فشارها بی نصیب نبوده اند. ما باید به این مبارزات ارج بگذاریم. سندیکای شرکت واحد سرنیاهی است که با مبارزه و اعتراضاتمان آنرا بنا کرده ایم. باید با تمام قوا حفظش کنیم. بیش از هر کس خود سندیکای واحد در قبال این وظیفه مهم مسئول است.

امیدوارم دوستان سندیکای شرکت واحد متوجه اشکالات متعدد این موضعگیری بشوند و به فکر جبران آن باشند.\*

به نظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم می نامد، دارد به توخوش خودش اعتراف می کند.

واقعیت این است که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری بشریت ضرورت و امکان پذیري يك نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسایل تولید دارای اشتراک همه مردم باشد.

جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتها است که مقدر است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

مارکسیسم و جهان امروز

منصور حکمت در مصاحبه با انترناسیونال .

اسفند ۱۳۷۰

## مزدوران رژیم به تجمع کارگران پالایشگاه آبادان حمله کردند کارگران فردا دوباره تجمع خواهند کرد

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، امروز ۶ بهمن ماه حدود ۵۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری شرکت ساختمان نفت در پالایشگاه آبادان در اعتراض به اخراج خود دست به تجمع اعتراضی زدند. رژیم از ترس گسترش اعتراض به بخش های دیگر، فوراً نیروی انتظامی و مزدوران حراست و لباس شخصی های خود را به محل اعزام کرد. سرکوبگران به کارگران حمله کردند و تعدادی از کارگران را دستگیر کردند. کارگران اعلام کردند فردا نیز به تجمع خود ادامه خواهند داد.

در دی ماه اعلام شده بود که

مبلغ ۸۰۰ هزار تومان پاداش آخر سال به کارگران تعلق میگیرد. اما به بهانه اینکه نقدینگی نیست فقط ۳۵۰ هزار تومان آنهم فقط به کارگران رسمی پرداخت کردند. این موضوع موجب اعتراض کارگران قراردادی و پیمانی شد. در این مدت تجمعات اعتراضی چند ده نفره کارگران ادامه داشت تا اینکه مسئولین وزارت نفت ناگزیر شدند به کارگران قراردادی نیز ۳۵۰ هزار تومان پرداخت کنند. روز دوم بهمن ماه حدود ۲۰۰ نفر از کارگران پیمانی شرکت ساختمانی نفت نیز که شرکتی در داخل پالایشگاه است در مقابل شرکت جمع شدند و خواستار حق پاداش

خود شدند. کارگران که با جواب سرilای نماینده پیمانکار مواجه شدند، با او درگیر شده و او را کتک زدند. در عکس العمل به این اتفاق پیمانکار حکم اخراج همه این ۵۰۰ کارگر را اعلام کرد. کارگران اینبار دست به تجمع بزرگتری از اوایل صبح امروز زدند و گفته اند کوتاه نمی آیند و فردا شنبه در مقابل شرکت دوباره تجمع خواهند کرد.

تجمع کارگران سازمان برق آبادان:

طبق گزارش دیگری که به ما رسیده است، روز سه شنبه ۲۶ دی ماه کارگران سازمان برق آبادان در اعتراض به تعویق ۶ ماه حقوق

خود در مقابل فرمانداری شهر تجمع کردند. نیروی انتظامی کارگران را محاصره کرده و اسلحه ها را مستقیم بطرف کارگران نشانه رفته بودند. نماینده فرمانداری به میان کارگران آمد و گفت پول نیست. نقدینگی نیست. به مردم فشار بیاورید که پول برق خود را بدهند تا حقوق شما را بدهیم. یکی از کارگران به فرماندار جواب داد که حقوقمان را نمیدهید حالا پول برق هم از ما میخواهید!

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از کارگران پالایشگاه و سازمان آب آبادان، از کلیه کارگران میخواهد که از این

اعتراضات پشتیبانی کنند. کارگران بازداشتی پالایشگاه آبادان باید فوراً آزاد شوند. حزب از خانواده کارگران میخواهد که فعالانه در این تجمعات شرکت کنند و بقیه مردم شهر را نیز به حمایت تشویق کنند. وقت اعتصابات و تجمعات بزرگ و سراسری فرارسیده است. خانواده ها نقش مهمی در تقویت اعتراضات و به نتیجه رساندن آنها دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ بهمن ۱۳۹۱، ۲۵ ژانویه  
۲۰۱۳

## گرامی باد یاد کارگران خاتون آباد که در بهمن ماه ۱۳۸۴ توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی کشته شدند.



## تجمع کارگران بازنشسته تهران، تجمع کارگران نی بر شوستر

### کارگران بازنشسته تهران:

طبق خبری که برای ما ارسال شده است، روز ۴ بهمن پیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران بازنشسته صندوق تامین اجتماعی در تهران در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و خواهان افزایش حقوق خود شدند. کارگران بازنشسته همچنین به تعرضات رژیم تحت عنوان اصلاح قانون کار و اصلاح قانون تامین اجتماعی اعتراض دارند. در این تجمع کارگران شعار میدادند: دولت بی کفایت حیاکن حیاکن.

گفته شده است که به مقرری بازنشستگی این کارگران ۱۸ درصد اضافه میشود و کارگران میگویند در حالیکه خود مقامات و رسانه های دولتی از تورم ۵۰ درصد و ۱۰۰ درصد حرف میزنند چرا حقوق ها باید ۱۸ درصد اضافه شود. در این تجمع یک بحث کارگران گرانی و وضع نابسامان اقتصادی شان بود. بحثشان این بود که دو میلیون هم کفاف زندگی ما را نمیدهد. کارگران به اینکه مرتضوی پست مدیریت تامین اجتماعی را دارد نیز معترضند و بارها در اعتراضاتشان این را اعلام کرده اند.

### تجمع کارگران نی بر شوستر:

طبق گزارش دیگری که به ما رسیده است، امروز ۵ بهمن ماه تعداد ۵۰۰ نفر از کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوستر به نمایندگی از طرف ۲۰۰۰ کارگر شاغل این مجتمع، برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و با خواست افزایش دستمزد در مقابل دفتر احمدی نژاد دست به تجمع اعتراضی زدند. تعدادی از کارگران نی بر همچنین خواهان بازنشستگی پیش از موعد

هستند، اما بدلیل تعویق در پرداخت حق بیمه توسط کارفرما امکان بازنشسته شدن را ندارند. سازمان تامین اجتماعی کار این کارگران را جزء مشاغل سخت و زیان آور محسوب نمی کند و اینهم یک موضوع دیگر اعتراض آنان است. این کارگران شش ماه سال کار میکنند و شش ماه بیکارند و فقط برای ایام کارشان حق بیمه پرداخت میشود به همین دلیل با مشکل بازنشستگی روبرو هستند. کارگران قراردادی نیز که دو ماه دیگر قراردادشان تمام میشود، در خطر اخراج هستند.

خواست این کارگران استخدام رسمی آنان است. کارگران اعلام کرده اند تا جواب روشنی به آنها داده نشود به اعتراض خود ادامه میدهند. لازم به یادآوری است که در آبانماه امسال این کارگران در اعتراض به عدم دریافت بیش از دو ماه حقوق و مزایا، دست به اعتصاب زدند و مسئولین را مجبور کردند که فوراً یکماه حقوق آنها را بپردازند. قبل از آن نیز بارها دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده بودند.

### اعتصاب و تجمع کارگران

#### نیشکر هفت تپه:

طبق گزارشی از اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۱۵۰۰ کارگر نی بر شرکت نیشکر هفت تپه نیز در اعتراض به عدم دریافت سه ماه دستمزد و با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از روز اول بهمن ماه در اعتصاب بسر می برند. کارگران بدلیل بی پاسخ

مانند خواستشان در مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع زدند و حدود ۶۰ نفر از کارگران کارخانه نیز به این تجمع پیوستند. این کارگران از جمله کارگران ساکن در خانه های سازمانی شرکت نیشکر هفت تپه هستند که به آنان اعلام شده است از این پس باید ماهیانه مبلغ یکصد هزار تومان بابت سکونت در خانه های سازمانی به شرکت پرداخت کنند اما کارگران زیر بار این خواست نرفته اند.

این اعتراضات همراه با تجمع اعتراضی کارگران شرکت های پتروشیمی های ماهشهر در اواخر دیماه، تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان و تعداد دیگری از اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران در ظرف دو هفته اخیر گواهِ تداوم و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری است که در سراسر کشور و در مراکز کلیدی و بزرگ کارگری جریان دارد. افزایش دستمزد، امنیت شغلی و استخدام رسمی و لغو اصلاحات ضد کارگری بر قانون فی الحال ارتجاعی کار از جمله خواست های مهم کارگران است که در مراکز هرچه بیشتری در حال گسترش است.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از این مبارزات، کارگران را برای اعتراضات و اعتصابات متحد و یکپارچه در سراسر کشور علیه کل فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی به طبقه کارگر و مردم زحمتکش و محروم تحمیل کرده است، فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ بهمن ۱۳۹۱، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۳



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

## بهنام ابراهیم زاده از زندان مرخص شد

### بهنام ابراهیم زاده باید بی قید و شرط آزاد شود



#### اطلاعیه شماره ۲ کمپین برای آزادی کارگران زندانی:

امروز اول بهمن ماه بهنام ابراهیم زاده زیر فشار اعتراض گسترده و جهانی در برابر واگذاری وثیقه تحت عنوان مرخصی چهار روزه از زندان آزاد شد. آزادی بهنام ابراهیم زاده را به او، به خانواده اش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگوییم و خوشحالی خود را از اینکه بهنام اکنون در کنار فرزند بیماراش نیما و خانواده اش است اعلام میکنیم.

آزادی بهنام را به دوستان عزیز که از زندان نامه دادند و خواستار آزادی بهنام و ضرورت حضورش در کنار تنها فرزندش که هم اکنون در بیمارستان محک بستری است، شدند، تبریک میگوئیم و دست تک تک این عزیزان را بخاطر این اقدام شجاعانه و انساندوستانه شان بگرمی میفشاریم.

جانان اسلامی بهنام ابراهیم زاده را در ۲۲ خرداد ۸۹ بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران و دفاع از حقوق کودک دستگیر و او را به ۵ سال زندان محکوم کردند. بهنام در مدت بازداشت زیر بیشترین فشارها و شکنجه ها قرار داشته است. یک فشار دائمی بر بهنام محروم کردنش از ملاقات با خانواده و فرزندش بوده است. اکنون نیز بعد از دو سه هفته بیماری فرزندش، او را زیر فشار اعتراضاتی گسترده و تحت

عنوان مرخصی از زندان آزاد کردند. مبارزه ما برای آزادی بدون قید و شرط بهنام و همه کارگران زندانی ادامه دارد. تلاش همه ما اینست و باید این باشد که نگذاریم بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی به زندان بازگردانده شوند.

بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدرام نصراللهی، محمد مولانایی، یوسف آب خرابات، واحد سیده، رسول بداغی، عبدالرضا قنبری و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید از زندان آزاد شوند.

کودکان مقدمند  
کریم شاهمحمدی:

۰۰۴۶۷۰۸۵۲۶۷۱۶  
children-  
firstnow@hotmail.com  
barnenforst@hotmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
شهلا دانشفر

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
FreeThem-  
Now2@gmail.com  
http://free-them-  
now.blogspot.com/

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان  
سیاسی

شیوا محبوبی

۰۰۴۷۵۷۲۳۵۶۶۶۱  
freepoliticalprisoners@gmail.com  
www.iranpoliticalprisoners.com

۲۰ ژانویه ۲۰۱۳، ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

## علیه حکومت گرانی و فقر بپا خیزیم!

کابوس گران شدن هرروزه کالاها برای کارگران و مردم زحمتکش ایران پایانی ندارد. مردمی که با محرومیت و ناداری روز را به شب میرسانند، صبح روز بعد متوجه میشوند که امروز توان خریدشان حتی به همان حد بخور و نمیر دیروز هم نمیرسد. زیرا همه چیز در عرض چند ساعت باز هم گرانتتر شده است. گرانی برای عده ای مفتخور و حکومتی و سرمایه دار و بازاری، تولید کننده مکت و ثروت هرروز فزاینده است، اما برای کارگری که دستمزدش چندین برابر زیر خط فقر است، برای معلم و پرستار و کارگر بیکار و کارمند فقیر، گرانی یعنی کم شدن چند قلم از سفره فی الحال فقیرانه اش. در ایران امروز بدون اغراق اکثریت مردم از تامین پایه ای ترین و ابتدایی ترین نیازهای خود نظیر تهیه غذای کافی برای خانواده،

تحصیل کودکان، مسکن مناسب، درمان و دارو، و امثال اینها محرومند و باید مدام حسرت بکشند. گرانی و فقر در ایران برآستی دارد میکشد، نابود میکند، خانواده ها را از هم میپاشد، میلیونها کودک را از تحصیل شادی محروم میکند، تن فروشی را گسترش میدهد، جوانان را معتاد میکند، افراد را به خودکشی وامیدارد، و زندگی دهها ملیون نفر را با حسرت و غم و رنج و عذاب آغشته میکند. کل این درد و عذاب بیش از همه سهم طبقه ما طبقه کارگر است. سهم آنهایی است که خود همه نعمات را تولید میکنند. نفت را از زیر زمین بیرون میکشند، خانه ها و ویلاها را میسازند، خوراکی ها و غذاها را آماده میکنند، کودکان را آموزش

میدهند، بیماران را مراقبت میکنند، و هر محصول و کالای مشمر ثمری با رنج و تلاش آنها ساخته میشود. طبقه کارگر قربانی اصلی گرانی و فقر در این نظام توحش سرمایه داری تحت حکومت اسلامی است. همه ما میدانیم که عامل این همه مشقت و درد و عذاب ما چه کسانی هستند. حکومتشان را میشناسیم، اسلام و آخوندهای میلیاردرشان را میشناسیم. مجلس و قوه قضائیه شان را میشناسیم. نیروی سرکوبشان را میشناسیم. رسانه هایشان را میشناسیم. می بینیم که چگونه این طیف مفتخور جنایتکار دست به دست هم داده اند تا از این چپاولگری از دسترنج ما حفاظت کنند. ما بسیاریم! بارها دیده ایم که وقتی پا به میدان بگذاریم این خیل

مزدوران و اجیر شدگان و حاکمین لرزه بر اندامشان می افتد. راه ما تنها و تنها همین است که متحد شویم. حقوقمان را بشناسیم. عزممان را جزم کنیم و این حکومت اسلامی مفتخوران سرمایه دار را به زیر بکشیم. زندگی انسانی و بدور از فقر و محرومیت حق همه ماست. غذا و پوشاک کافی و مناسب حق بدیهی ماست. مسکن مناسب حق همه ماست. بهداشت و درمان رایگان حق تک تک ماست. تحصیل رایگان حق تک تک کودکان ماست. تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین استانداردهای زندگی انسانی حق همه ماست. باید همین ها را با صدای بلند در مقابل حاکمین فریاد بزنیم. نباید بگذاریم این شرایط نکبت اری که این حکومت کشیف و صاحبان سرمایه و آخوندهای میلیاردر به ما تحمیل کرده اند انتظاراتمان از زندگی را پایین بیاورد. باید عزم کنیم که به این جهنمی که برایمان خلق کرده

اند با اتحاد و تشکل و عزم خود پایان دهیم. باید با اعتماد به نفس پا به میدان بگذاریم و عزم کنیم که به رنج دهها ساله خود برای همیشه مهر پایان بزنیم و جامعه ای بسازیم که در آن يك اقلیت سرمایه دار و مفتخور حاکم نباشد.

ما باید متحد شویم. ما باید بر حقوق پایه ای مان پافشاری کنیم. ما باید انقلاب کنیم و به این رنج و بی عدالتی و زورگویی و بی تاملی، به این جهنم ضد انسانی پایان دهیم. و ... ما میتوانیم!

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی  
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ ژانویه ۲۰۱۳ - ۲۸ دی  
۱۳۹۱

سایت حزب: www.wpiran.org  
تلفن تماس با حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۶۸

## اگر زنده هستیم، به همت شما است، به اعتراضات ادامه دهید تا نتیجه نهایی!

این روزها زندان رجایی شهر بیش از همیشه بوی ماتم و غم دارد. امروز دو زندانی را به بهانه اینکه دادگاه دارند، با خود بردند و میدانستند اگر بگویند به سول انفرادی منتقل میشوند، ممکنست در بین زندانیان شلوغ شود و جو زندان متشنج شود. سید هادی حسینی و صدیق محمدی را بردند و سپس شنیدیم آنها را برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی برده اند. به آنها اتهام سلفی بودن زده و در حقیقت این افراد بدلائل سیاسی اعدام میشوند. امروز نفسم بالا نمی آید و قلبم بسیار سنگین است. سید هادی حسینی مبتلا به بیماری صرع بود و هر نوع نا آرامی و فشار عصبی باعث

میشد حالت تشنج گرفته و مدتها، همه ما را غمگین سازد. پزشکان گفته بودند او باید آزاد شود. چرا که استراحت و آرامش تنها درمان این تشنج های فزاینده هستند و امروز دیدیم او را به سلول انفرادی برده و گفته اند که تیک تیک ساعت لحظه فرا رسیدن مرگ او را فریاد میزند و چه کسی در این دنیا نمیتواند تصور کند، این لحظات و این صدای گوشخراش و وحشتناک تیک تیک ها، قربانیان را تا مرز جنون میبرد و تعدادی قبل از رسیدن مراسم شنیع و وحشتناک اعدام، دست به خودکشی میزنند چرا که تاب تحمل شنیدن این تیک تیک ها را ندارند. من قصد بر هم زدن آرامش

هیچ کس را ندارم، من نمیخواهم مزاحم زندگی شما شوم، اگر جشن تولد فرزندتان هست و یا در صدد سازمان دادن عروسی فردی از خانواده و یا سر و سامان دادن به کارهای روزمره خود هستید، اما همانطور که سعید ماسوری گفت، از درون زندانهای این حکومت که شاید هیچوقت و هیچوقت ندانستند اینجا چه خبر است، به شما بگویم آی آدمها اینجا قتل سازمان میدهند و اینجا صدها نفر با هم زندگی میکنند و روز را به شب میرسانند، در حالیکه ممکنست امروز يك هم بند و يك هم سفره آنها را ببرند و فردا در خیابان آنها را به دار بکشند و این هیچگاه تصور من و ما از

زندگی نبوده و این هیچگاه نباید سهم من و ما از زندگی باشد. من يك خواهش از شما دارم، به اعتراضات ادامه دهید! اگر ما زنده هستیم بدلیل اعتراضات است، حتی اگر امروز خبر خوب مرخصی رفتن چند نفر از اوین و از همین رجایی شهر را شنیدیم، همین جا زندانیان هم میگفتند، بخاطر اعتراضات در بیرون از این سیاه چالها است. شما اگر ادامه دهید و شما اگر از همه دولتها بخواهید با حکومت ایران تماس گرفته و حرف نهایی را درمورد ما از آنها بپرسند، شاید ما نه فقط رسماً از اعدام نجات یابیم بلکه آزاد شویم. این روزها خبری به دستمان

رسیده که اگر شاکي ها رضایت دهند، ظاهراً رییس زندان گفته دلیل نمی بیند ما را در زندان نگه دارد. آیا ما شاهد روزی خواهیم شد که صدایمان بزنند این بار نه برای اعدام بلکه برای اینکه در زندان باز شود و ما طعم خوش آزادی را چشیده و هوای آزاد را تنفس کنیم. آیا این امکان پذیر است؟ به همت شما و فقط شما میتوانیم این رویا را متحقق شده ببینیم. پس به اعتراضات ادامه دهید! زنده باد همت شما زانیار مرادی زندان رجایی شهر یکشنبه اول بهمن ماه ۱۳۹۱ باز تکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام

## اوباشان قاتل اسلامی از چه میترسند؟

از صفحه ۱۳

کافی مشروعیت اعدام این دو جوان در ملاء عام را بوجود آورده بود! ظاهراً این دو جوان طعمه های خوبی بودند. "زورگیری" کرده بودند. فیلم "زورگیری" شان پخش شده بود. و اعدامشان ممکن بود آن حساسیتی را بر نیانگیزد که مثلاً حکم اعدام زانیار و لقمان بوجود آورده است. گسترش اعتراض علیه اعدام به خوبی نشان داد که خونخواران اسلامی حاکم بر ایران راه گم کرده اند.

### حکومت اسلامی از چه میترسد؟

خاطره سقوط دیکتاتورها در منطقه همچنان زنده است. کابوس بن علی و مبارک و قذافی شبهای خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و ... را حرام کرده است. بشار اسد میان زمین و آسمان معلق است. و بالاخره "انتخابات" نزدیک میشود و کابوس ۸۸ زنده شده است. خودشان از "فتنه ای بزرگتر از فتنه ۸۸" سخن میگویند. "فتنه ۸۸" اسم رمز قیام مردم علیه تمامیت این بساط فقر و ارتجاع و خرافات و خون و جنایت است. قربانی کردن جوانان قرار است وحشت ایجاد کند. بساط دار بر گردن جوانان قرار است حلقه دار بر گردن نظام اسلامی را شل کند. کشتار جوانان قرار است مانع مرگ نظام اسلامی فرتوت شود. حکومت اسلامی از پایان حیات سیاسی خود میترسد. به همین سادگی.

### تف خونین سربالا!

اما آیا آن عجله ای که در اعدام این دو جوان بکار بردند به اندازه کافی نشان نمیدهد که آنهایی که میخواهند وحشت بیاندازند خود وحشت زده شده اند؟ درست در اوج نفرت جهانی

علیه حکم زانیار و لقمان، درست در اوج جنبش علیه اعدام، دو جوان دیگر را بدون اطلاع قبلی و با عجله به قربانگاه میبرند تا فرصتی برای اعتراض نماند.

آیا حکومت اسلامی واقعا به مقصد رسیده است؟ آیا مردم مرعوب شده اند؟ آیا امنیت حکومت اسلامی که از نان شب هم واجبتر است تضمین شده است؟ پاسخ را باید در جواب مردم به این جنایات جستجو کرد. واکنش مردم به این درجه از توحش و ارعاب چیست؟

اگر کسی میخواهد واکنش مردم در باره این اتفاق را بداند باید به خشم و نفرتی که در دنیا علیه حکم اعدام زانیار و لقمان فوران کرد نگاه کند. به اعتراض مردم مریوان و سلیمانیه نگاه کند. به اظهار انزجار مردم اعدامها و حمایت صمیمانه مردم از زانیار و لقمان در برنامه های زنده کانال جدید توجه کند. به تجمع همین دیروز مردم سنندج در مقابل زندان سنندج نگاه کند که قاتلان اسلامی را - مجبور کردند که اعلام کنند اعدام عمر شهبازی را به عقب میاندازد تا "خانواده محکوم فرصت داشته باشند که از خانواده مقتول رضایت بگیرند!" به خانواده شریف و انساندوستی توجه کند که همین دیروز در بوشهر اجازه ندادند طناب دار اسلامی جان یک قربانی دیگر را بگیرد. به سایت حکومتی بازتاب سر بزند که ابلهانه تصور میکرد ویدیوی یوتیوب کارش را کرده است و اما یکباره از خشم و نفرت و انزجار مردم علیه اعدام دو جوان شوک شده است!

دارو دسته های حکومتی ابلهانه تصور میکنند که با هر حلقه داری بر گردن جوانی عمر حکومتشان را بیشتر میکنند. برعکس است. گسترش اعدام، جنبش علیه اعدام را گسترش

## مثل سگ از سایه خودشان می ترسند

می دند که بیائید اعدام داریم، بیائید تماشا. مخصوص کودکان، مخصوص زنان. این نشونه چیه؟ نشونه ترسه. نشونه بدبختی این حکومت. حکومتی که میخواد با خون مردم می خواد زنده باشه یکروز هم با خون مردم غرق میشه. مرگ بر خامنه ای، مرگ بر حکومت کثیف اسلامی.

میخواستم تشکر کنم از کانالتان، این خامنه ای با کشتن این جوونا، اعدام این جوونا خودش رو داره بیچاره تر نشون میده. وقتی در تلویزیون از خودش از مملکتش داره تعریف می کنه، میگه ما خوبیم، این داره تظاهر می کنه. میچاپه با این همدستاش ... مملکت ما رو بیچاره کردند، گرسنگی تمام استان ما را فرا گرفته. خواستم بگم به این آقای خامنه ای که واقعا بره بمیره بهتره از این حکومتی که داره.

می خواستم به این مزدوران

رژیم بگم دیگه دوره شون سر اومده. باید بفکر یک جایی باشند برای خودشان که تا یک مدت دیگه طومارشون بسته اس و فرار کنند برن به یک کشور دیگه. گرچه فکر کنم اونا توی کشوری دیگه جایی ندارند. ...

از تهران خراب شده زنگ میزنم. نمی دونم چی بگم. موندم. بخاطر دو تا جون ۲۴ - ۲۳. چطور اونهایی که میلیارد میلیارد اختلاس می کنند، میرن خارج از کشور، اونا رو هیچ کس نمی تونه بگیره. اما دو تا جوون بدبخت که بخاطر بدبختی اش رو آورده، بعدم معلوم نیست که صحنه سازی باشه اینها، که جمهوری اسلامی فقط اعدام رو رایج کنه. تو مردم بگه آره اعدامهایی که می کنم قانونیه، فقط بخاطر این. آقای کیوان باور نمی کنی، ایران شده زندان. دیگه انگاری استغفراله خدا هم ایران رو نمی بینه.

از صبحتهای مردم در تلویزیون کانال جدید:

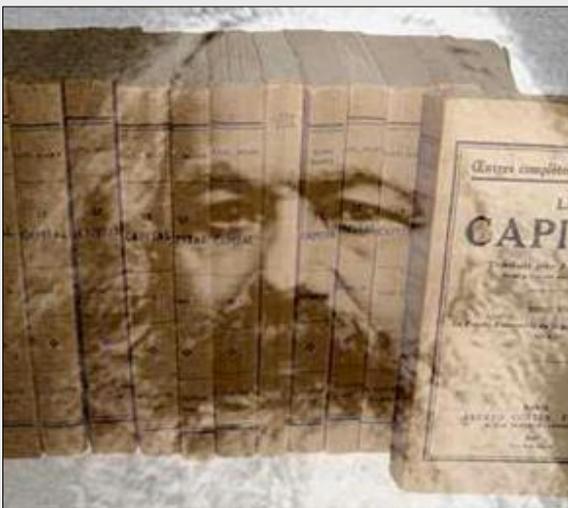
این حکومتشان بخوره توی سرشون. بنده کارمند شهرداری هستم. از خوزستان تماس میگیرم. ده ماهه که حقوق بهمون ندادند، مساعده که قطع شده تماما. ما الان ۲۰۰ نفریم. توی این ۲۰۰ نفر کارگر یکی راضی نیست از این جمهوری اسلامی، حتی توی خود شهر. هیچکس از این رژیم اسلامی کثافت نجس راضی نیست. مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر احمدی نژاد، مرگ بر همه سران جمهوری اسلامی.

مرگ بر خامنه ای ضحاک ... مثل سگ از سایه خودشان می ترسند. خامنه ای و دار و دسته اش ترسیده اند. از بس ترسیده اند دارند تند تند بچه ها و جوانی بیگناه مردم رو برای ۷۰۰ هزار تومان اعدام می کنند. از روز قبلش اطلاعیه

داده است. توحش بیشتر حکومت اسلامی، حس انساندوستی و اعتراض به توحش را برانگیخته است. ارعاب اسلامی، نفرت و خشم و شجاعت ضد اسلامی بر علیه حکومت اسلامی را برانگیخته است. ابزار خونینی که قرار بود حکومت اسلامی را نجات دهد به ابزاری علیه همین حکومت خونین تبدیل شده است. مهمترین ابزار حکومت برای بقا، تبدیل شده است. نبردی بزرگ بر سر جان و حرمت انسانها میان حکومت اسلامی از یک طرف و توده های به جان آمده از طرف دیگر برپا شده است. نبردی که در آن راهی جز پیروز شدن نداریم.\*

تورنتو. ۵ بهمن ۱۳۹۱  
۲۴ ژانویه ۲۰۱۳

**"این آگاهی انسانها نیست که هستی آن ها را تعیین میکند ، بلکه این هستی اجتماعی آنهاست که آگاهیشان را تعیین میکند."**  
کارل مارکس



## با تمام قوا در دفاع از کارگران زندانی

محل: خیابان الموتبی  
فراخوان دهنده: تشکیلات بغداد  
حزب کمونیست کارگری چپ عراق

### آمریکا

#### واشنگتن:

یکشنبه ۲۷ ژانویه ساعت ۱  
بعدازظهر  
محل:

2209 wisconsin Ave  
NW Washington DC

مقابل دفتر منافع جمهوری  
اسلامی در واشینگتن

### انگلیس

#### لندن:

شنبه ۲۶ ژانویه، ساعت ۲ تا ۴  
بعدازظهر  
محل: میدان ترافالگار، ضلع

شمالی مقابل ناشنال گالری  
تلفن تماس: ۰۷۷۱۲۸۱۰۶۷۵

این آکسیون ها توسط احزاب و  
سازمانهای سیاسی و نهادهای  
مدافع حقوق کارگر و زندانی  
سیاسی فراخوان داده شده است.

محل: مقابل پارلمان

### سوئد

#### یوتبری:

شنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۲ تا ۴  
بعدازظهر

محل: یرن توریت  
تلفن تماس: ۰۷۳۷۱۷۸۸۱۹

#### استکهلم:

شنبه ۲۶ ژانویه، ساعت ۱  
بعدازظهر

محل: مدبوریار پلاتسن

Medborgarplatsen

### نروژ

#### اسلو:

شنبه ۲۶ ژانویه، ساعت ۱ تا ۲  
بعدازظهر

محل: مقابل پارلمان نروژ  
تلفن تماس: ۰۹۸۶۹۴۰۰۱

### عراق

#### بغداد:

جمعه ۲۵ ژانویه، ساعت ۱۰ تا  
۱۲ صبح

### لیست کمک مالی به کانال جدید

فرزانه درخشان ۳۰۰ یورو  
بهرام کرمانشاه ۲۶۰ یورو  
فریبا و پیام آذر ۱۰۰ یورو

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



رابسون  
تلفن تماس: ۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶

#### تورنتو:

شنبه ۲۶ ژانویه، ساعت ۳ تا ۵  
بعدازظهر

مکان: پلازای ایرانیان واقع در  
خیابان یانگ جنوب خیابان

ستیس

Yonge St., South of Steeles  
Ave.

### هلند

#### آمستردام:

شنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۲ تا ۴  
بعدازظهر

محل: آمستردام هلند - میدان  
بورس پلین

شماره تماس: بهمن خانی  
۰۶۵۱۲۷۳۲۶۱

#### دنهان:

مکان و زمان برگزاری آکسیون:  
شنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۲ تا ۵  
بعدازظهر

بعدازظهر  
محل: میدان دوم پلاته مرکز شهر  
کلن

#### فرانکفورت:

تلفن تماس: ۰۱۶۳۵۵۹۱۵۱۹

شنبه ۲۶ ژانویه، ساعت ۲ تا ۴  
بعدازظهر

محل: مرکز شهر فرانکفورت  
An der Hauptwache

#### برلین:

شنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۱ تا ۳  
بعدازظهر

محل: یواخیم ستالر پلاتس نزدیک  
ایستگاه کورفورستن دام  
تلفن تماس: ۰۱۷۶۲۴۸۶۶۳۱۷

### کانادا

#### وتکور:

شنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۲ بعد از  
ظهر

محل: مقابل آرت گالری - خیابان

رهبران کارگری زندانی در ایران،  
آینه تمام نمائی هستند از  
بیحقوقی و ظلمی که به کارگران و  
کل مردم ستمدیده روا میشود. و  
همزمان آینه تمام نمائی هستند از  
ایستادگی و مقابله با نظامی  
ضد انسانی که جمهوری اسلامی بر  
مردم حاکم کرده است. اینها گل  
های سرسبد مبارزه عادلانه و  
آزادیخواهانه مردم اند و شایسته  
بیشترین حمایت در ایران و در  
سطح جهان. کارگران زندانی،  
معلمان و زنان و جوانان زندانی و  
کل زندانیان سیاسی باید فوراً و بی  
قید و شرط آزاد شوند.

کلیسه مردم آزاده را  
فرامیخوانیم که در میتینگ های  
زیر شرکت کنند و هر جا میتوانند  
خود دست به کار سازمان دادن  
میتینگ های اعتراضی شوند.

### آلمان

#### کلن:

شنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۳ تا ۵

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**